

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



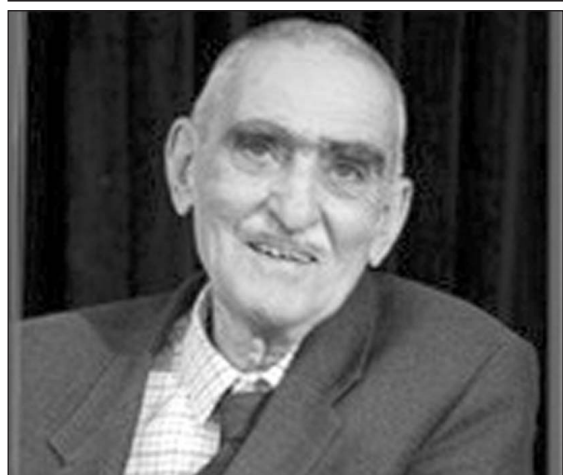
سپاسی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۵

شماره مسلسل ۱۴۰۴

نیمه اول خرداد ماه ۱۳۹۰

۲۰۰ تومان



خاطراتی درباره ایرج افشار

ایران شناس و کتاب شناس

استاد سیدهادی خسروشاهی

ایرج افشار مردی برای ایران

صفحه ۶

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان

صفحه ۵

آیت الله جنتی افزود: شورای نگهبان امین مردم است و به هیچ کس، دل نبسته است. آنچه برای شورا مهم است میزان تبعیت فرد از حق است. طبع و سرشت مردم، حق طلبانه است و وقتی صحت عمل و سلامت نفس همکاران شورای نگهبان را ببینند و ملاحظه کنند که برای شورای نگهبان، حق، مهم تر از فرد است، اعتمادشان افزایش می یابد. دبیر شورای نگهبان یادآور شد: مردم هر جا حق را ببینند، گرد آن می گردند و وقتی عدالت، حق جویی و حق گویی کسی را ببینند، او را قبول می کنند و به او اعتماد می کنند.

نقد منصفانه و پرهیز از قضاوت؛ سیره علامه عسکری در تقریب مذاهب اسلامی

صفحه ۱۱



حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

ادعای وهابیون مبنی بر تفاوت قرآن «شیعه و سنی» کذب است

صفحه ۱۰



معاون ارتباطات و امور بین الملل
جامعه المصطفی العالمیه:

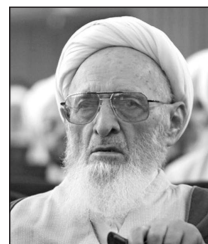
حفظ وحدت و تقریب از مزایای سفیران نور است

صفحه ۱۱



نکوداشت سیره علامه حسن زاده آملی

صفحه ۱۲



فهمی هویدی تحلیلگر برجسته مصری:

رژیم صهیونیستی بازنده اصلی انقلاب های عربی است

صفحه ۲



نگاهی به کتاب «جزیره سرانديب يا سري لانکا»؛

سروده و تدوین دکتر حسین رزمجو

صفحه ۹



آیت الله جنتی:

توسل به موهومات موجب وهن نظام است

افراد فاسدی پیش ببرند. دبیر شورای نگهبان با ابراز نگرانی از تلاش افرادی برای حاکمیت سرمایه در انتخابات، افزود: ریخت و پاش های مالی در انتخابات نیز قبلاً سابقه داشت و الان نیز گروهی در تلاش هستند با پول، افرادی را بخرند. وی تصریح کرد که شورای نگهبان با قاطعیت این مسائل را بررسی می کند.

کردند که حقایق برای مردم روشن شد و مردم نسبت به برخی مسائل، بصیرت پیدا کردند. مردم وقتی احساس کنند که ممکن است مساله ولایت ضربه بخورد، با فداکاری جانشان را برای ولایت می دهند. وی افزود: از این اتفاقات و آزمون ها، در آینده هم پیش خواهد آمد. آنچه مهم است این است که ما غافل نشویم. آیت الله جنتی توسل برخی مسئولان به امور موهوم را بی سابقه و موجب وهن نظام دانست و گفت: برخی موارد قبلاً ضرورتی نداشت به صورت علنی گفته شود. اما با انتشار عمومی خبر آن، دیگر کسی نمی تواند منکر این قضایا شود.

وی ضمن گلایه از تعلل دستگاه های مسئول برای برخورد با این مسائل، افزود: از چند سال پیش از این، به دوستان قوه قضائیه می گفتم باید این افراد دستگیر شوند. چرا باید چنین افرادی در کشور آزاد باشند؟ در این مملکت، جن گیر و مال و طلسم باز، چه نقشی باید داشته باشد؟ دبیر شورای نگهبان با ابراز تاسف از عدم برخورد با این افراد گفت: با آزادی این افراد، کار به جایی رسید که برخی از مسئولان هم به آنها متوسل شدند.

حضرت آیت الله جنتی با اشاره به رفتارهای فاسقانه و پلید برخی از این افراد، گفت: فاسدترین آدم ها، با اهانت به مقدسات، ادعا می کنند قدرت های فوق العاده ای دارند و متأسفانه افرادی هم فریب آنان را می خورند و به آنها متوسل می شوند. وی افزود: این مسائل بسیار تلخ و ناگوار است که عده ای بخواهند امور مملکت را با توسل به چنین

به گزارش خبرگزاری فارس، آیت الله جنتی در همایش مسئولان دفاتر استانی و مدیران ستادی این شورا گفت: سلامت انتخابات در گرو عملکرد شورای نگهبان است و مسئولان دفاتر استانی و ناظران نیز هر یک به اندازه مسئولیت خود، باید با بر طبق قانون بکوشند تا انتخاباتی سالم برگزار گردد.

دبیر شورای نگهبان با اشاره به تفاوت های نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی با دوره های گذشته گفت: در این انتخابات، غیر از شکست خوردگان سیاسی و گروهک های ضد انقلاب، جریان های انحرافی و کسانی که صاحب قدرت هستند نیز از مدت ها پیش طرح هایی را برای ورود به انتخابات آغاز کرده اند.

آیت الله جنتی، طمع منحرفان و گروهک های ضد انقلاب برای نقش آفرینی در انتخابات را امری مسبوق به سابقه دانست و افزود: در گذشته هم این مسائل بود، اما در این دوره عده ای با سوء استفاده از مقام و جایگاه خود یک جریان انحرافی را به وجود آورده اند و با توسل به راه های نامشروع و پولهای کلان که با سوء استفاده از قدرت کسب کرده اند، می خواهند مجلس را قبضه کنند.

دبیر شورای نگهبان با اشاره به عبور جامعه اسلامی از فتنه ها و آزمون های سخت و دشوار گفت: خیلی از اتفاقات، رنج آور است اما به خواست خداوند نتایج مثبت و ثمرات شیرینی دارد.

دبیر شورای نگهبان با اشاره به تحرکات جریان انحرافی در هفته های اخیر گفت: این جریان هم تلخ و ناگوار بود اما موجب شد نیروهای انقلابی که به افرادی علاقه مند بودند، چشمانشان باز شود.

وی تصریح کرد: عده ای با جریانات اخیر سعی کردند به مساله ولایت فقیه ضربه بزنند، اما کاری

اکران فیلم هایی که در دوره قبل هم اجازه اکران نیافت

حتی جریان دوم خرداد به خودش این اجازه را نداد تا اینگونه فیلم ها را به دست اکران بسپارد. اینکه مسئولین ما تصور می کنند قبح چنین موضوعاتی در جامعه فروریخته یا نه، سوالی است که با هر رفع توقیفی، بیشتر ذهن مخاطب را درگیر می کند چرا که شاید متولیان امر فرهنگ بر این باور باشند جامعه امروز با جامعه سال پیش متفاوت شده بنابراین می توان خط قرمزها را که در حال اتمام است، یکی، پس از دیگری پشت سر نهاد. اگر چنین تصویری در میان مسئولان امر شکل گرفته باشد باید گفت که بازخوانی شعارهای داده شده در انتخابات سال نیازی حتمی بوده چرا که رئیس دولت در تبلیغات خود به صراحت سیاست های فرهنگی دولت اصلاحات را ضد فرهنگ می خواند و به مردم قول داد جامعه دینی را برای امت حزب الله احیا کند.

شهرت ساخته ایرج قادری پس از گذشت یازده سال از ساخت آن به تازگی مجوز پخش در شبکه نمایش خانگی را گرفت تا به جمع رفع توقیفی های بپیوندد. تسویه حساب، به رنگ ارغوان، شاعر زیاده ها، آشکار، پنجمین سوار سرنوشت و حالا شهرت از جمله فیلم هایی هستند که با پیگیری جریان معلوم الحال دولت، رفع توقیف شده و روی پرده سینما رفتند یا به پخش خانگی سپرده شدند. از موضوعات این فیلم ها می توان به فمینیسم گرایی، عمل وازکنومی، رحم های اجاره ای و ... اشاره کرد که حتی در دوران اصلاحات و وزارت عضو اصلی حلقه لندن هم اجازه پخش پیدا نکردند. فیلم شهرت که به دلیل موضوعش، یعنی رحم های اجاره ای مجوز پخش نگرفت، اکنون در حالی در سبد خرید خانواده گنجانده می شود! که

رژیم صهیونیستی بازنده اصلی انقلاب های عربی است



از مهمترین چالش های انقلاب مصر، امنیت و آرامش و اقتصاد است. امنیت و آرامش دو روی یک سکه هستند و بقایای رژیم سابق و دشمنان مصر تلاش زیادی می کنند که این کشور روی امنیت و آرامش به خود نبیند و از همین رو، احتمال می رود که مصر درگیر اعتصاب ها و فتنه های مذهبی شود و اعتصاب هابدين معناست که خبری از گردشگری و سرمایه گذاری های خارجی جدید نخواهد بود و در صورت نبود امنیت، کارخانه ها تعطیل خواهند شد. ما نیاز به اتخاذ یک سری اقدامات داریم؛ به ویژه که بیش از ۱۰۰ روز از عمر انقلاب مصر نگذشته است. این بخشی از مساله است و بخش دیگر آن اینکه رژیم سابق به این راحتی تسلیم نمی شود و سعی در ایجاد هرج و مرج دارد تا مردم را متقاعد کند که در زمان حضور آن در راس قدرت، مصر از امنیت بیشتری برخوردار بود. در حال حاضر مصر ماهیانه بیش از سه میلیارد دلار خسارت می بیند و چالش دیگر به اقتصاد مربوط می شود که باید تقویت شده و توسعه پیدا کند.

در حال حاضر، صادرات متوقف شده و تولید کاهش یافته است. مسائل زیادی است که باید کنترل شوند. یکی از مشکلات انقلاب مصر این است که ملتی که دست به این قیام زدند، می دانند که با چه مسائلی مخالف هستند، اما نمی دانند که با چه مسائلی موافق هستند. ملت مخالف ظلم و ستم و شکنجه و انحصار قدرت و تقلب در انتخابات و برخی مسائل دیگر هستند. اما سوال این است که طرفدار چه چیزی هستند؟ نمی توان از میلیون ها مصری نظرخواهی کرد که چه خواسته هایی دارند؟ در نتیجه ما نیازمند ساماندهی به وضعیت اجماع ملی و تجسیم اهداف انقلاب و مشخص کردن رهبر و سردمدار این انقلاب هستیم. انقلاب مصر فاقد این ویژگی است و رهبر و پرچمداری ندارد؛ برخلاف انقلاب ایران که امام خمینی (ره) رهبری آنرا بر عهده داشت و برنامه مشخصی را در پیش گرفته بود. ما با ارتش بدون فرمانده مواجه هستیم و نیازمند فرمانده هستیم و این فرمانده می تواند اجماع ملی و گروهی از نخبگان باشد و یا یک گروه سیاسی رهبری این انقلاب را به دست بگیرد. این ها چالش های امنیتی و اقتصادی مصر جدید است. ساختار سیاسی رهبری این انقلاب را تشکیل می دهد؛ به طوری که الان، ارتش فرماندهی و رهبری انقلاب را به دست ندارد، بلکه نگهبان آن است. در جوامع دیگر، این ارتش است که کودتا می کند و رهبری جامعه را به دست می گیرد، اما در مصر عکس این مساله اتفاق افتاد؛ جامعه ای که خود قیام کرد و ارتش را به کمک فراخواند. ارتش مصر نگهبان انقلاب و نه عامل آن است. این مسائل نیاز به زمان دارند.

به عوامل داخلی که انقلاب مصر را تهدید می کند، اشاره کردید. اما چالش ها و عوامل خارجی تهدید کننده انقلاب مصر کدام است؟
عوامل خارجی همان فشارهای آمریکا و رژیم صهیونیستی است که از تحولات مصر شوکه شده اند. ما نمی دانیم که آیا سادات تعهداتی سری به

قبال ایران و ترکیه خواهد داشت؟ آیا مصر در حال حاضر می تواند چنین رویارویی را مدیریت کند؟ ما الان نمی خواهیم از رویارویی نظامی صحبت کنیم، اما حداقل باید در رویارویی سیاسی، فشاری را علیه رژیم صهیونیستی اعمال کند که بتواند آنرا وادار به امتیازدهی در زمینه امنیت فلسطین و یا جهان عرب بکند. حداقل یک سری توافقنامه هایی هست که مصر به آنها پایبند است، اما رژیم صهیونیستی به تعهدات خود در قبال آنها عمل نمی کند و این فشارها می تواند تل آویو را وادار به اجرای این تعهدات خود بکند و این ها خواسته های بحقی است. اسرائیل به آن بخش از مفاد پیمان کامپ دیوید که شاید نفعی برای مصر داشته باشد، عمل نمی کند و انسان زمانی که می خواهد در مقابل یک دشمن قرار بگیرد، باید تا حدودی از آمادگی فکری و جسمی برخوردار باشد و اقدام به تجهیز قوای خود بکند. اکنون سؤال این است که سوریه چه موقعیتی در این برهه دارد؟ سوریه امروز درگیر مشکلات داخلی است. ما می خواهیم بگوییم که مصر تغییر کرده است و دیگر آن همپیمان مطمئن اسرائیل نیست. مصر خواسته هایی دارد که از آغاز اصلاح مفاد توافقنامه فروش گاز گرفته تا توافقنامه کامپ دیوید را شامل می شود و همه این ها منوط به برگ های برنده ای است که قاهره در دست دارد. انقلابی که سه ماه از عمر آن نمی گذرد نمی تواند وارد درگیری و رویارویی شود. اسرائیل از طریق مزدوران خود و برانگیختن فتنه های داخلی میان مسلمانان و قبطی ها و تخریب ساختار اقتصادی، مصر را نابود کرد و انقلابیون مصر می دانند که چه می خواهند و در مقابل اسرائیل هم می داند که مصر تغییر کرده است.

شما معتقدید که اسرائیل عامل درگیری ها و اختلافات مذهبی در مصر است؟

بله، اسرائیل است که دست به این کارها می زند و عملاً اقدامات زیادی در این زمینه انجام داده است. در حال حاضر، اولویت انقلابیون مصری تقویت جبهه داخلی است و این مساله ای است که رهبران فلسطینی هم به آن اشاره کرده اند؛ به طوری که مصر تلاش می کند جبهه داخلی خود را تقویت و از امنیت ملی خود دفاع کند و این در حالی است که قبلاً از امنیت ملی اسرائیل دفاع می کرد. انقلاب مصر، مساله گذرگاه ها و آشتی ملی گروه های فلسطینی را مسئولیت بعدی خود می داند و البته این ها مسائل ساده ای است و مسائل مهمتری نیز وجود دارد که برخی از آنها جزء مسائل راهبردی به شمار می روند و برخی دیگر جزء مسائل موقتی و به اصطلاح تاکتیکی. امروزه مصر باید بر اساس قدرت و اقتدار خود حرکت کند.

انقلاب مصری تنها متعلق به خود مصری ها نیست، بلکه به اقتضای تاریخ و جغرافیای این کشور در جهان عرب و اسلام، مصر مورد توجه تمامی مسلمانان و عرب هاست. دیدگاه شما نسبت به آینده انقلاب مصر و تاثیر آن بر روی مسائل اسلامی و در راس آن مساله فلسطین چیست؟ مهمترین خطرهایی که انقلاب مصر را تهدید می کند، کدامند؟

مصر در حال حاضر وضعیت و مسئولیت های خودش را می داند و من اینجا در ایران و جاهای دیگر تاکید کرده ام که مصر تنها یک کشور به شمار نمی رود، بلکه همسنگ امت است؛ چرا که وقتی مصر قیام کرد، کل امت به پا خواست و زمانی هم که در گذشته شکست خورد، کل امت شکست خورد. هم ما و هم آنها این را خوب می دانیم. یکی

قهقراپی را تجربه می کند و همه این ها به نفع مساله فلسطین است.

رژیم صهیونیستی در سالگرد فاجعه فلسطین جنایت بزرگی را در حق تظاهر کنندگان فلسطینی و عرب مرتکب شد. این اقدام "اسرائیل" را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا این مساله نشانگر نگرانی و دلهره رژیم صهیونیستی است؟

مطمئناً همان طوری که گفتید اسرائیل از عدم آرامش و ثبات رنج می برد؛ چرا که تمامی معادلات استراتژیک آن در حال تغییر است و خودشان هم به این مساله اعتراف دارند. در باره موضوع برنامه ریزی برای حمله به ایران نیز گفته اند؛ باید این مساله را به تعویق انداخت؛ چرا که به نظر می رسد جبهه مصر آرام نباشد و باید یک بازنگری اساسی در این استراتژی خود داشته باشیم. از سوی دیگر، رژیم صهیونیستی در درون خود احساس ترس و نگرانی می کند و در برآورد خود از تغییرات جدید در منطقه اشتباه کرده است، این مساله باعث شده است که برخی طرف ها در داخل اسرائیل خواستار توافق با فلسطینیان قبل از وقوع تحولاتی هستند که می تواند تبعات و پیامدهای ناخوشایندی برای این رژیم به دنبال داشته باشد. آنها در عین حال، با به راه انداختن کشتار در سالگرد فاجعه اشغال فلسطین تلویحا بر این نکته تاکید کردند که موضع و واکنش طرف عربی بی ارزش است و در حقیقت با این کار خود می خواستند واکنش جهان عرب را در سایه تحولات جدید بیازمایند، و بگویند که ما این کار را می کنیم، شما چکار می کنید؟ این بهترین موقع است که طرف عربی پاسخ مناسبی به دولت عبری بدهد.

به اهمیت مصر به عنوان همسایه فلسطین اشغالی اشاره کردید. به نظر شما روابط مصر با این رژیم در آینده چگونه خواهد بود؟

این مساله پیچیده است و نیاز به زمان دارد. تحولات جهان عرب از دو لحاظ باعث نگرانی رژیم صهیونیستی و غرب می شود: نخست به خاطر منافع نفتی و غیره غرب و آمریکا و دوم تحولات مربوط به رژیم صهیونیستی. از همین لحاظ نیاز به صبر طولانی و استراتژی طولانی مدت دارد و الان مساله این نیست که مصر چه تغییری در معاهده صلح صورت خواهد داد، بلکه مساله قدرت و اقتدار مصر است که به آن امکان می دهد جلوی سلطه جویی های رژیم صهیونیستی را گرفته و در شروط حاکم بر مناسبات میان دو طرف بازنگری کند. امروز مساله بازنگری در مساله فروش گاز مصر به رژیم صهیونیستی و قیمت آن مطرح است که در گذشته به نوعی مخفی مانده بود. آیا این مساله می تواند منجر به تعلیق توافقنامه صلح شود یا نه؟ سوالات زیادی درباره روابط مصر با رژیم صهیونیستی در آینده مطرح است. نبیل العربی قبل از انتخاب به سمت وزیر امور خارجه، طی مقاله ای خاطر نشان کرده بود که ما باید در توافقنامه صلح بازنگری داشته باشیم. اما تفاوت زیادی میان آرزوهای وی و قدرت عملی مصر برای تحقق این آرزوها وجود دارد؛ به ویژه که در عرصه عمل باید با آمریکا و ائتلاف غربی و کمیته چهارجانبه بین المللی مواجه شد. انقلاب مصر نیازمند این است که اولاً جایگاه خود را تقویت کند. انقلاب مصر امروزه با مشکلات امنیتی و اقتصادی مواجه است و از سوی دیگر، در حال ساماندهی به اوضاع داخلی مصر است تا بعداً در روابط خارجی خود بازنگری کند و مشخص شود که در چه جبهه ای قرار می گیرد و چه موضعی در

فهمی هویدی تحلیلگر برجسته مصری تاکید می کند که رژیم صهیونیستی بازنده اصلی تحولات جهان عرب و انقلاب های مردمی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است و سیر این تحولات نشان می دهد که این رژیم دیگر مثل گذشته نمی تواند آسوده خاطر به حیات خود ادامه دهد.

بخش فارسی مرکز اطلاع رسانی فلسطین اخیراً در جریان سفر فهمی هویدی به تهران و شرکت وی در کنفرانس بین المللی ضد تروریسم گفت و گوی مفصلی را پیرامون انقلاب مصر و مسائل مربوط به فلسطین و رژیم صهیونیستی انجام داد.

اینک متن کامل این گفت و گو از نظر خوانندگان محترم می گذرد:

در سالروز فاجعه فلسطین و به ویژه در سایه انقلاب های عربی و سقوط برخی رژیم های همپیمان رژیم صهیونیستی، آینده منطقه و این رژیم را چگونه می بینید؟

شاید صحبت درباره آینده زود باشد، اما ما می توانیم درباره دو مساله به صورت مشخص اظهار نظر کنیم؛ نخست اینکه در حال حاضر ندای ملت های عربی پس از سال ها خاموشی، به شدت بلند شده است و زمانی که صدای ملت ها بلند می شود به معنای آغاز تغییرات مهم در خاورمیانه است. بدون مبالغه باید بگوییم که چنین اتفاقی می تواند دلیل کافی اطمینان بخشی درباره آینده باشد؛ چرا که وقتی ملت های ما تحت سلطه برخی رژیم ها و حکام باشند، صرفنظر از اینکه اکثر این حکام نماینده اراده و خواست ملت های خود نیستند، سرنوشت ملت ها در دست این حکام بود، اما مساله دوم اینکه اسرائیل "در حال حاضر در موضع انفعال و دفاع و نگرانی قرار گرفته است و تمامی تحولات راهبردی علیه آن رقم می خورد، و در حقیقت بازنده اصلی این تحولات است. در درجه نخست، ایران قبل از ۳۰ سال پیش از منظومه استراتژیک حامی رژیم صهیونیستی جدا شد و امروز تا حدی ترکیه نیز از این رژیم فاصله گرفته است و در سوی دیگر میدان، رژیم حامی و همپیمان رژیم صهیونیستی در مصر سرنگون شده است. اهمیت تحولات مصر از آن روست که مهمترین تغییر و تحول اساسی است که در مجاورت و نزدیکی رژیم صهیونیستی رقم خورده است؛ برخلاف ایران که فاصله جغرافیایی زیادی با این رژیم دارد. جدای از این، دولت عبری امروز در موضع نگرانی و بی ثباتی قرار گرفته است و صهیونیست ها اعلام کرده اند که در استراتژی خود بازنگری خواهند کرد؛ چرا که دیگر اوضاع در مقایسه با گذشته فرق کرده است و انور ساداتی که توافقنامه صلح با صهیونیست ها امضا کرد و حسنی مبارکی که طی حکومت ۳۰ ساله خود از آنها حمایت می کرد، دیگر در صحنه حضور ندارند و در نتیجه می توان گفت که مصر، مصر سابق نیست و سیاستمداران صهیونیستی به خوبی از حجم تغییر و تحولات در منطقه و به ویژه در کشورهای اطراف خود اطلاع دارند و از همین رو، در اندیشه تغییر راهبرد های خود هستند، و شاید بتوان گفت که جهان عرب یک انتفاضه مردمی را تجربه می کند و حال سوال این است که آیا این انتفاضه عربی راه را برای وقوع انتفاضه سوم فلسطین باز خواهد کرد یا نه؟ برخی پیش بینی ها حاکی از این است که فلسطین در مرحله آینده دستخوش این تغییرات خواهد شد و از ناحیه عملی و راهبردی، اسرائیل در وضعیت بسیار سخت قرار گرفته است و سیری

صهیونیست ها داده است یا نه؟ و آیا آمریکا در قبال حوادث آتی بی تفاوت خواهد ماند؟ آمریکا به خوبی می داند که ملی گرایی در مصر و هیچکدام از کشورهای دیگر عربی به نفع سلطه جویی های آمریکا و اسرائیل در منطقه نیست. پس چه موضعی در قبال تعامل با مصر اتخاذ می کند؟ بی شکل کاخ سفید با استفاده از برگ های برنده خود مانند کمک های مالی و تسلیحاتی و استفاده از گروه های داخلی مصر سعی در اعلام حمایت از دموکراسی در مصر خواهد داشت؛ البته مشروط به اینکه این دموکراسی با منافع آن تعارض نداشته باشد که اگر هم چنین مساله ای تحقق پیدا کند، دموکراسی مورد نظر با مقتضیات موضع ملی مصر همخوانی و تطابق نخواهد داشت. هم طرف آمریکایی و هم ما با معادله سختی مواجه هستیم و نمی دانیم چطور دموکراسی را پیاده کنیم که تحت سلطه آمریکا نباشد و تسلیم فشارها و خواسته های آن نشود و این به معنای آغاز جنگ سرد سیاسی با آمریکاست. به نظر من، این مهم جز از طریق قدرت و اقتدار جامعه مصری و انتخابات و تاسیس نهادهای دولتی قوی محقق

نخواهد شد. به عنوان مثال می توان به ترکیه اشاره کرد؛ زمانی که اردوغان با عبور سربازان آمریکایی از خاک این کشور برای حمله به عراق مخالفت کرد، این پارلمان بود که با این مساله مخالفت کرد و دولت ترکیه زیر چتر حمایتی پارلمان توانست چنین موضعی اتخاذ کند، اما در مصر تاکنون پارلمانی وجود ندارد و باید پارلمان شکل بگیرد تا انتظار تحقق این هدف را داشت. ماسعی در احیای جایگاه مصر از طریق احزاب و موسسات و سندیکاها و پارلمان داریم، تا شورای عالی نظامی تنها نباشد و در نتیجه موضع مصر برای مقابله با فشارهای خارجی که خواهان شکل گیری دموکراسی همسو و هماهنگ با منافع خود هستند، تقویت شود.

در گذشته رژیم مصر به طرف های غربی دوباره وجود اسلامگرایان در مصر هشدار می داد. آیا پس از فروپاشی رژیم سابق هنوز هم این ترس و بیم وجود دارد؟

به نظرم وضعیت الان فرق کرده است و غرب از وجود اخوان المسلمین احساس نگرانی و این سوال را مطرح می کند که جماعت اخوان چه

سهمی از انقلاب مصر دارد؟ آنها می دانند که اخوان نماینده رویکرد اسلامگرایانه و درگیری با رژیم صهیونیستی و طرفدار جنبش حماس است و این برداشت از سوی غرب طبیعی است. غربی ها می دانند که جماعت اخوان سازمانی تروریستی نیست و نگرانی آنها از این لحاظ نیست، بلکه آنها از تحولات مصر شوکه شده اند و از همین رو، الان در کمین نشسته اند و می خواهند در مصر جدید جایی برای خود پیدا کنند و همان طوری که گفتم مصر الان مانند یک میدان باز است و غرب تلاش می کند گروهی از جوانان را برای تشکیل سازمان های مردمی و NGO ها به سوی خود جذب کند. غرب در قبال حوادث و تحولات مصر ساکت ننشسته است، بلکه سعی دارد جایی برای خود باز کند تا بتواند در جامعه مصری تاثیر گذار باشد.

بهار عربی به چه سمتی می رود و سرنوشت جریان میانه رو عربی پس از نابودی ارکان اصلی آن چه خواهد شد؟

به نظر من جریان میانه روی عربی (محور اعتدال عربی) دیگر تمام شده است و چیزی بدین

سالروز اشغال فلسطین و پیروزی دیگری برای مقاومت

از سوی جنبش حماس ترس را بر آنها مستولی و خواب را از چشمان آنها ربوده است.

با این تفاسیل به خوبی روشن است واهمه های رژیم جعلی ’اسرائیل‘ از فلسطینی ها تا چه اندازه است. شش دهه تلاش و تبلیغ برای پایان دادن به اندیشه بازگشت امروز با تاکید رهبران فلسطینی به عنوان نخستین پیش شرط هر توافقی، خود کابوسی پایان ناپذیر است که می توان آن را سخنان وزیر امور خارجه سابق رژیم عبری دید که خواستار رفتن فلسطینی ها به شیلی - دورترین جایی که ممکن است و از مرز فلسطین هزاران کیلومتر فاصله دارد - شده بود. او همچنین در ضمن مذاکرات خود با تشکیلات خودگردان تنها با بازگشت ۵۰ هزار آواره موافقت کرده بود و این یعنی یک درصد از آوارگان فلسطینی.

این موضوع به خوبی بیانگر نوع دیدگاه سران تل آویو در مورد هر گونه حق بازگشتی است. شاید بتوان گفت وحشت صهیونیست ها از اندیشه بازگشت به مراتب بیش از سلاح مقاومت است. به همین علت است که حاضرند میلیاردها دلار هزینه کنند و بهترین و خوش آب و هواترین مناطق دنیای مسکون را برای سکونت آنها تدارک ببینند ولی حرفی از بازگشت نزنند، چرا که بازگشت

به عنوان یک عضو ناسالم و خارج از گروه توسط کشورهای منطقه شناخته می شود برای غلبه بر عصبانیت خود دست به هر اقدامی می زند.

۲) منطقه خاورمیانه امروز شاهد رویشی دوباره است؛ خارج از انقلاب هایی که صورت گرفت و حرکت هایی که توسط مردم برای کنترل سرنوشت خود روی داد، در جبهه داخلی فلسطین نیز اوضاع بهتر از همیشه است. ده ها کشور در جهان کشور فلسطین را به رسمیت شناخته اند و چنانکه تحلیل ها و گزارش های صادر شده از سوی خود منابع صهیونیستی نیز بر این نکته تاکید دارند، با رفتن طرح تشکیل کشور فلسطینی به مجمع عمومی سازمان ملل بیش از ۱۳۲ کشور جهان آن را به رسمیت خواهند شناخت که از تعداد کشورهایی که رژیم اشغالگر در آن سفارت دارد، به مراتب بیشتر است.

۳) سومین عاملی که می توان در به خاک و خون کشیدن مردم در سالروز اشغال فلسطین به آن اشاره کرد، عصبانیت رژیم صهیونیستی از همراهی مردم لبنان و فلسطینی های ساکن این کشور از استقلال کشور فلسطینی و پایان اشغالگری است. رژیم صهیونیستی به باور خود در طول شش دهه گذشته علی رغم تمام تبلیغاتی که کرده، موفق به قبولاندن خود به عنوان یک موجودیت به همسایگان نشده است و از این با شلیک به سمت آنها، به نوعی این عصبانیت را نشان و آبی بر خشم دایم خود بریزد.

۴) توافق فتح و حماس در مورد آشتی ملی و شروع مذاکرات برای اجرایی کردن توافنامه درست در سالروز تشکیل رژیم ’اسرائیل‘ آن، پیام مهمی را به تل آویو فرستاد و گیرندگان این پیام نیز پاسخ خود را با سلاح آتشین و به خاک و خون کشیدن مردم دادند. سران رژیم صهیونیستی به زبان خشونت طلب و خون ریز خود می خواهند این نکته را گوشزد کنند که هر توافقی برای تشکیل کشور فلسطینی را با گلوله و جنگ جدید پاسخ خواهند داد.

۵) رژیم اشغالگر از بروز انتفاضه ای دیگر در سرزمین اشغالی به شدت واهمه دارد و با این تعبیر خود که پیروز توافق آشتی ملی جنبش حماس بوده و فتح به دلیل موقعیت ضعیف خود ناچار به پذیرش آن شده است؛ این برداشت را باعث شده تا آنها از همین ابتدا ماجرا را جدی فرض کرده و با آن برخورد تندی داشته باشند. شهادت یک نوجوان فلسطینی به ضرب گلوله صهیونیست ها در قدس اشغالی و اعلام آن به عنوان نخستین شهید انتفاضه

نیمه اول خرداد ماه – شماره ۵ – ۳

نام نداریم. رژیم سابق مصر محور این جریان بود و پس از فروپاشی آن، دیگر محور و جریانی بدین نام نداریم. درباره مسیر حرکت بهار عربی نیز باید گفت که این مساله به تعاملات و عوامل مختلفی بستگی دارد. تاکنون سرنوشت بحران های یمن و لیبی مشخص نشده است و در اردن و مراکش نیز درباره اصلاحات سخن می گویند و تحرکاتی نیز در الجزائر صورت می گیرد. به اعتقاد من نوعی بیداری عربی در حال شکل گیری است. در گذشته از بیداری اسلامی صحبت می کردیم و امروز از بیداری ملی - عربی صحبت می کنیم. من در سخنرانی ام در دانشگاه امام صادق تهران هم گفتم که در دهه ۶۰ یک جنبش آزادی خواه عربی در مقابل اشغالگران خارجی وجود داشت و امروز جنبش آزادی خواه عربی علیه اشغالگران ملی و داخلی به راه افتاده است و بعد از اینکه ما استعمارگران فرانسوی و انگلیسی را از کشورهای خود بیرون کردیم، جایگزین ملی آنها عملکرد قانع کننده ای نداشت و اکنون انقلابی علیه این رژیم های جایگزین به راه افتاده است.

فلسطینی ها به خانه و کاشانه خود برابر است با بر باد رفتن آرزوی تشکیل کشور یهودی!!! در فلسطین.

با این تفاسیر است که باید اندیشه بازگشت را به عنوان برنده ترین سلاح فلسطینی ها به همراه سلاح مقاومت و پایتختی قدس شریف در تشکیل هر دولتی در دست داشت، این موارد نکاتی کلیدی است که انتظار می رود در سال های نه چندان دور پاسخ خود را دریافت کند و صهیونیست های مهاجر را ناچار به بازگشت به خانه های خود نماید.

در این میان وظیفه ذاتی و فکری تمام مسلمانان به خصوص فلسطینی های آواره در تمام جهان این است که این روز را بیشتر و بهتر گرامی بدارند، یوم النکبه برابر است با سالروز اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی که همان نکبت اکبر است. در صورتی می توان این راه پر فراز و نشیب را ادامه داد که در آن هماهنگی و همراهی وجود داشته باشد. شهادی یوم النکبه ۲۰۱۱ برای خود قطعه ای بهشت را خریده اند که در آن می توان افق آزادی و استقلال کشور فلسطین به پایتختی قدس شریف را به خوبی ملاحظه کرد.

طرح آمریکا برای تجزیه عربستان

طبق این برنامه، حرکت بعدی آمریکایی ها تجزیه عربستان به سه کشور کوچک است که یکی از آنها کشور اسلامی در مکه و مدینه و اطراف آن خواهد بود. نسل جدید خانواده حاکم بر عربستان پس از کاسته شدن از نفوذ و قدرت این خانواده، به ریاست حکومت این کشور گماشته خواهد شد. هفته نامه المنار تاکید کرد، محافل آمریکایی می دانند همه کشورهای عرب خلیج فارس از جمله عربستان از انقلابهای مردمی که باعث سرنگونی نظامهای حاکم شود و نشانه های آن در خاورمیانه و سلطان نشین عمان و بحرین دیده می شود، نگران هستند.

این هفته نامه به نقل از برخی منابع دیپلماتیک تاکید کرد، کشورهای عرب خلیج فارس به علت بیم از خطراتی که در انتظار آنهاست گامهایی، را برای تثبیت موقعیت خود برخواهند داشت؛ البته چنین گامهایی باعث نمی شود که واشنگتن از اجرای طرح تجزیه که از عربستان آغاز خواهد شد منصرف شود.

خرافه و خرافه زدایی

یوسف با زلیخا حقیقت یا خرافهٔ و سیری در کتاب مجالس السنیه فی مناقب مصائب العترۃ النبویهٔ، موضوعات شماره ۱۵۲ را تشکیل می‌دهند و آندر گسست زنجیرهای خرافه؛ ریشه های خرافه و خرافه گرایی و راه های مبارزه با آنها، آسیب های خرافه بر کیان اسلام و تشیع، تاریخ معاصر، نقش عالمان شیعه در خرافه زدایی، ریشه های رویش و راه های زدایش خرافه‌ها در ساحت دین، سَای بابا و توهّم تجلی خداگون، اخبار ساختگی، معرفی دو اثر در دغدغه های محدث قمی از گسترش خرافه و تحریف غلام فدکی، بحارالانوار، مشرعهٔ همه مطالب دو شماره پیوسته آخر می‌باشند.

آقای حسن جمشیدی در چستی خرافه می‌گوید:
‘خرافه در لغت به معنای حکایت شیرین و دروغین است. واژه خرافه، نام یکی از افراد قبیله بنی عذره یا جهینه بود که دیوها او را ربودند و هنگامی که نزد قوم خویش بازگشت، به تعریف حکایتهایی پرداخت که مردم را به تعجب وامی داشت. این است که او را تکذیب کردند و گفتند: سخنان خرافه. سپس این واژه را در مورد هر سخن که تکذیب می کردند، یا هر سخن شیرین و تعجب آور به کار بردند. شاید علت نامگذاری این قبیل حکایتها به خرافه این باشد که معنای ریشه خرافه تباهی عقل بر اثر پیری است.. آقای محمد جواد درودگر نیز در ریشه شناسی خرافه می‌گوید:
کسانی که قدرت فهم و توانایی درک و تحلیل مسائل را ندارند، با بسیار ساده لوحانه و مسامحه آمیز از کنار پدیده های مفهومی - عینی در حوزه های گوناگون و از جمله (دین) می‌گذرند، گرفتار خُرافه می‌شوند و آن را به عنوان یک حقیقت یا واقعیت می‌پذیرند؛ با این که گرفتار پاره‌ای اندیشه‌های غیرعلمی و نامعقول می‌شوند که پیامد پذیرش آن تولید خرافه در عرصه های مختلف است. زیرا خرافه از حیث معرفت شناختی ممکن است از دو راه، تولید و توزیع شده و درگذر زمان رنگ حقیقت و واقعیت بگیرد:

الف: از راه نفوذ افکار و اندیشه های نادرست.

ب: از راه رفتارهای نادرست.

راه اول، ابتدا یک فکر انحرافی و خرافی رشد و رواج یافته و کم کم در صحنه عمل فرد و جامعه ظهور می یابد، به گونه ای که قیام علیه چنین خرافه ای بسیار مشکل است و نیاز به یک انقلاب فرهنگی و تحول علمی - معرفتی دارد.

در راه دوم، پاره ای رفتارهای خرافی، در جامعه

فصلنامه حوزه در اقدامی لازم چهار شماره اخیر خود - از شماره ۱۵۱ تا - ۱۵۴ را به ‘خرافه و خرافه زدایی’ اختصاص داده و زوایای مختلف و متنوع این موضوع را به بحث گذاشته است. سال ها است که کشور ما دچار خرافه گرایی افراطی شده است. با این که از سال ها پیش بسیاری از دین داران دردمند و عقلای قوم، هشدارهای لازم را داده اند اما متأسفانه به خاطر رسوخ این بیماری در لایه های مختلف اجتماع و برخی از سطوح مدیریت کشور، نه تنها با اقبال مناسب همراه نشد بلکه گاه با واکنش عده ای که این امور را مطابق برخی از اغراض خود می دانستند مواجه شده و با سکوت برخی خواص نیز تایید گردید. در عین حال، جای خوشحالی دارد که اخیراً با ظاهر شدن بعضی از آثار و پیامدهای این بیماری، فضای مناسب تری برای خرافه زدایی ایجاد شده است. امروزه برای دیرباوران نیز روشن شده است که تا حدود زیادی دامن زدن به برخی از خرافات و استفاده از احساسات پاک مردم، در خدمت مطامع سیاسی قرار داشته، می‌رفت، اعتقادات مردم را پای سیاست قربانی نماید. از این رو به ویژه در قضیه ‘مستند ظهور بسیار نزدیک است’ که البته در مقابل مسائل دیگر از این دست ناچیز می‌نماید؛ بحمدلله جامعه دینی واکنش مناسبی از خود نشان داده، شخصیت ها و مراکزی که در این زمینه وظیفه مند می‌باشند، تا حدودی به مسؤلیت خود عمل کرده‌اند. مراجع معظم تقلید نیز که تاکنون هشدارهای لازم را می‌دادند، این بارهم، چون همیشه نسبت به این امور حساسیت نشان داده، رهنمودهای لازم را ارائه کرده‌اند. یکی از این دست اقدامات که البته از مدت ها قبل، در حوزه معرفتی و آگاهی بخشی به جامعه اتفاق افتاده است، اقدام شایسته تقدیر فصلنامه پرسابقه حوزه می‌باشد که منبعی غنی از مباحث معرفتی در این زمینه را به جامعه دینی عرضه کرده است: ‘سکوت روحانیت در مبارزه با خرافات’؛ ‘بایستگی شناخت ریشه خرافات’، ‘علت رشد خرافه در زمان ما و چگونگی جلوگیری از آن’، ‘خرافه و رسالت حوزه’، سازوکار پیدایی خرافات در جامعه امروز’، ‘بایستگی خرافه پیرایی از روایات و اخبار’، ‘چیستی خرافه’، ‘رابطه قدرت سیاسی و خرافه’، ‘خرافه گرایی در آیین عزاداری’ مباحث شماره ۱۵۱ را شامل می‌شود. ‘خرافه گرایی بازگشت به جاهلیت’، ‘ریشه های پیدایی و پایایی خرافات’، ‘ضعف عقلانیت زمینه ساز خرافه’، ‘خرافه، به دور از ساحتِ دین’ ازدواج

منتشر شده و وجهه مقبولی به خود می‌گیرد و سپس کم کم، تئوریزه می‌گردد؛ یعنی وجوه علمی برای وجیه و موجه جلوه دادن آن، به کار گرفته می‌شود و با اقامه دلیل، آن را برهانی می‌سازند. و این امور ممکن است نسبت به پاره ای از آموزه ها و معارف دینی و گاه شخصیتها، الگوها و مراکز مذهبی صورت بگیرد. همچنین آقای غلامرضا جلالی در مقاله خود تحت عنوان ‘رابطه قدرت سیاسی و خرافه می‌نویسد:
‘در حقیقت، مردم پیرو دین حکمرانان خود هستند. تاریخ نشان می دهد که بسیاری از آنها خرافاتی ترین مذاهب را وقتی که از سوی حکمرانان ارائه می شود، به عنوان مشروع ترین و پیشرفته ترین عقاید می‌پذیرند. بویژه این که توده های مردم خواهان دینی هستند که از حیث معجزه و اسرار و اساطیر غنی باشد و کسانی که تفسیر عقلانی از دین دارند، همیشه در انزو اقرار می گیرند و در پیوند با توده ها با دشواریهایی روبه رو می شوند. چون توده ها از راه فهم خود به دین دل می بندند و اگر دین تفسیری شفاف یافت این امر می تواند موجب رنجش و سرخوردگی آنان شود. آنان دینی را می خواهند که توده ها را رام آنان سازد و از خردورزی باز دارد و قوه پرسش گری، کنجکاوی و چون و چرا را از ساحت ذهن توده ها پاک سازد و به پیروی بی چون و چرای از حاکمان، به عنوان نمایندگان خدا در زمین وادارد..... مرکز ثقل آموزه های اسلام مبارزه با رهبران دروغین و روحانیت منحرف و آداب و رسوم خرافی است. پیامبر خود شاهد این حقیقت بود که چگونه خرافه ها و آیینهای توحیدی یهود و نصارا را آلوده کرده و چیزی جز تشریفات و شاعران تهی از معنی از آنها باقی نگذاشته است. لذا بسیار با خرافه ها سر ناسازگاری نشان می داد. در قرآن خرافات، (اصر) و (غل) خوانده شده است که اسلام برای کنار نهادن آنها آمده است... با این حال برخلاف برخورداری اسلام از متن دینی و نکته های تاریخی درخور اعتماد، به دلیل اصالت یافتن فرعیات و توجه نکردن به هدف واقعی دین و ناآشنایی متولیان رسمی آن از حقیقت اسلام، بسیار دیده می شود که تشریفات، رسوم و آداب و خرافه ها، گسترده شده و کسانی به آنها علاقه و پای بندی نشان می دهند و ماهیت اصلی دین، آن گونه که باید سرلوحه رفتار، گفتار و مسائل زندگی قرار نمی گیرد.’ و آقای سید عباس رضوی در آسیب های خرافه می‌گوید:
‘جامعه اسلامی، در سالهای اخیر، شاهد رواج خرافه ها و پندارهای غیرمنطقی درباره

«غرب شناسی» در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

داوری اردکانی در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: زمانی که مسأله غرب شناسی مطرح می‌شود، مراد ما این است که کجا می‌رویم و مناسبات ما با نظام غربی در چه مرحله ای قرار دارد و چه قدر غرب ما را مسخر خود کرده است؟ آزاد شدن به این معنا نیست که علم غرب علم بدی است. حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز در سخنانی اظهار داشت: برخی از معاصران، فلسفه مضاف را علل اربعه علم دانسته اند که در واقع از علت مادی و صوری دانش سخن می‌گوید که نسبتاً سخن درستی است. غرب شناسی جزو علل اربعه است و به نوعی سخن گفتن از غایت غرب شناسی محسوب می‌شود.

وی با بیان اینکه پرسش از غایت معرفت، اساسی ترین پرسش یک معرفت است، گفت: پرسش ما از غرب وابسته به ماهیت و موضوع غرب شناسی است و اینکه با چه رویکردی به غرب نگاه کنیم؛ نگاه به غرب متفاوت می‌شود.

وی ادامه داد: ‘غرب’ دستگاه معرفتی است که به عنوان پدیده پرسش های بسیار معرفتی در به

پیشگامان

معرفی نشریه حوزه

موضوع موعود شده است. کسانی پیاپی برای بازارگرمی و یا از سر سادگی و ساده لوحی، یا دنیاگرایی، یا وابستگی به قدرتهای خارجی ادعای مشاهده و یا بابت امام زمان می‌کنند و با کارهای شگفت انگیز و روان کاوانه، افراد ساده دل و گرفتار را، که بیش تر از بانوان هستند، به خود جذب می‌کنند. ماجرای پیدا شدن دست خطی از امام زمان در یکی از مساجد لبنان، آن هم بدون (بسم الله) و همراه با اشتباه ادبی در متن دست نوشته که با آب و تاب در یکی از نشریه ها منتشر شد، از این دست است. دعوی دیدن امام زمان به وسیله گروهی در شهر ری و انتساب ترور شماری از افراد متدین به دست آن حضرت، از دیگر ماجراهای خرافی بود که در جامعه اسلامی ما، سر باز کرد که باید در آن درنگ ورزید و هشیارانه پیرامون آن را بررسی کرد، تا سرخ های آن را به دست آورد و زمینه ها و انگیزه ها را شناخت.

تنور برخی از محافل مذهبی، برافروخته از خبرهای ملاقات با امام زمان و اوراد و اذکار ویژه دیدار با امام زمان است. شماری از مداحان کژاندیش در اجتماعات مردم مشتاق و دردمند، وعده دیدار آقا را می‌دهند. امری که بسیار خطرناک و سبب بی اعتقادی و روی گردانی مردم از این موضوع مهم می‌گردد.

روشن است درآمیختن حقایق با خرافه و پندارهای واهی، نه تنها به دین باوری نخواهد انجامید که زمینه ساز سست باوری خواهد بود. و آقای همایون مصباح در نقش علمان دینی در خرافه زدایی می‌نویسد:
امام خمینی، از شخصیتهای بزرگ قرن حاضر، با آن که توجه به تمام ابعاد دین و دینداری از جهت امکان گرفتار شدن به خرافات داشت؛ لیکن بیش تر نگاه ها را معطوف به خرافه های دینی در ساختهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی - فقهی، انسان شناسی و دین شناسی نمود و ظاهرگرایی و فهم نادرست از دین را عامل اساسی خرافات دینی برشمرد.... شهید مطهری نیز که عمرش را در راه درک و فهم و روشن گری زوایای دین و اسلام شناسی هزینه نمود، آن گاه که برای اصلاح و احیای اندیشه و عمل دینی اقدام نظری می‌نماید، متوجه خرافه هایی می‌گردد که آفت دین شده اند و می‌نگرد که هم فهم دینی و هم دین در ساحتهای چندگانه پیش گفته گرفتار خرافات شده و می‌شود و در گستره های نامبرده نمونه های فراوانی می‌آورد و پاسخ می‌دهد.”

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

وجود آوردنش مؤثر بوده‌اند؛ گاهی غرب شناسی به عنوان غرب ستیزی آگاهانه معنی می‌شود و اگر چنین رویکردی را موضوع بنامیم چرایی و تفسیر خاص پیدا می‌کند.

رشاد با اشاره به بیان اینکه برخی غرب را همه جهان می‌دانند، گفت: در این نگاه، غرب شناسی خودشناسی است و با اندکی مصامحه خودمان را مطالعه می‌کنیم. برخی با این فرض به شناخت غرب می‌پردازند که ما غرب نیستیم اما غرب شناسی همان خود شناسی است. ما باید غرب را بشناسیم تا خود را بهتر بشناسیم. این یک تلقی است که برخی از روشنفکران از جمله سیدحسین نصر دارند. امثال نصر در زمین معرفتی غرب دارند مبارزه می‌کنند و تنور بازی غرب را گرم می‌کنند.

رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: غرب شناسی دیگر غرب شناسی انضمامی است که به این معنی است که انسان ها در ظرف اجتماعی و فرهنگی متفاوت شکل آن ظرف را گرفته است. آن انسان شناسی که به این رویکرد می‌پردازد؛ انسان شناسی انضمامی است.

نخستین همایش ملی ‘غرب شناسی’ با ریاست علمی دکتر رضا داوری اردکانی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد و اندیشمندان حاضر در آن بر ضرورت مطالعه فرهنگ و تمدن غرب تأکید کردند.

نخستین همایش ملی ‘غرب شناسی’ با سخنرانی دکتر رضا داوری اردکانی با موضوع ‘مشکلات فراوری غرب شناسی’، سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر رشاد رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با موضوع ‘اهمیت غرب شناسی’ و برگزاری دو میزگرد با عناوین ‘هستی و چیستی غرب’ و ‘غرب و علوم انسانی’ در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی برگزار شد. در ابتدای این همایش، دکتر رضا داوری اردکانی، رئیس علمی همایش به ایراد سخنرانی پرداخت و اظهار داشت: مسأله من، مسأله غرب شناسی است. مدتی پیش در مصاحبه ای از من پرسیدند که؛ آیا می‌توان مانند مدل شرق شناسی از غرب شناسی سخن گفت؟ که من با چنین سخن یاهوای مخالف هستم! وی ادامه داد: در نگاه نخست شرق شناسی نگاه تاریخی است البته ماسینیون از

دکتر محقق داماد:

ایرج افشار یک دائرةالمعارف سیار بود

می شود؟

افراد زیادی شعار ایران دوستی می دهند، اما بعضی به جز شعار کار دیگری نمی کنند. اما کسی که شبانه روزش را تا آخرین دقایقی که او را به طرف بیمارستان بردند، از نوک انگشتانش برای ایران و تحقیق برای ایران تراوش می کرد، ایرج افشار بود. ایشان در یک خانواده مقید به علم و تحقیق و پژوهش متولد شدند. پدر ایشان شادروان مرحوم محمود افشار بود که او هم بچه ها را به تحصیل واداشت و برای آنها چیزی باقی نگذاشت جز همین تاکید بر تحقیق و علم و همه و همه ثروتش را وقف تحقیق و تعلیم و پژوهش کرد. همه موقوفات ایشان برای کارهای پژوهشی درباره تاریخ و جغرافیای ایران صرف شده است.

پدر ایشان مجله ای را به نام `آینده` در سنه ۱۳۰۴ بنیان گذاشته بود. درست سال تولد ایرج افشار که به محض اینکه ایرج به سنی می رسد که می تواند مجله را سرپرستی کند، این کار به ایشان واگذار می شود که تا سال ۱۳۷۲ بهترین نشریه ایران شناسی بود.

شما در حوزه کتاب و نسخه شناسی هم با ایشان در ارتباط بودید. از وجه کتاب شناسی ایشان بگویید؟
هر جاناتم کتاب و کتابخانه بود نام ایرج افشار هم بود. من در اغلب کشورهای اروپایی که سفر کردم و به کتابخانه ها سر زدم اثر انگشت و خط ایرج افشار بود که نشان می داد او در این کتابخانه ها آثار خطی را دیده و دانسته که سرمایه های خطی ایرانی در کدام کتابخانه هاست.

تمام کتابخانه وین را زیر و رو کرده و هر چه آثار ایرانی بود فهرست کرده بود. این کارها کارهایی است که کشوری را زنده می کند. عیبی که امروز در نسل جوان ما وجود دارد عدم آشنایی با هویت خودشان است. از هویت خودشان آگاه نیستند و نمی دانند چه سرمایه هایی دارند. او در پی کشف و معرفی این سرمایه ها بود.

مرحوم افشار خیلی اهل سفر بود. او را در سفر چگونه یافتید؟

تا آن جایی که من حدود ۲۰ سال است با ایشان

ایرج افشار مردی برای ایران

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان

خدمات وی در حوزه فهرست نویسی در انواع و اقسام زمینه ها، نه تنها حاوی روش های ابتکاری است بلکه آنها هم از گستره قابل توجهی برخوردار است. صرف تأسیس نشریه نسخه های خطی دانشگاه تهران کافی است که از وسعت آن کار و اهمیت آن حیرت زده شویم. مشارکت در فهرست نویسی نسخ خطی در کتابخانه مجلس از دیگر فعالیت های اوست. همین طور کتابخانه ملک که به طور ضربتی به انجام رسید و فهرستی از اندوخته های ارزشمند آن در اختیار قرار گرفت.

وی نزدیک چهارده سال (۵۸- ۴۴) ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را داشت، دوره ای که این کتابخانه، کتابخانه شد و هزاران نسخه خطی و ده ها هزار برگ سند و عکس در آن جای گرفت.

فهرست مقالات فارسی یکی از ارزشمندترین آثاری بود که از این مرد منتشر شد و راهنمای مهمی برای دانش پژوهان برای هزاران مقاله ای بود که در نشریات و مجموعه های مختلف چاپ شده بود.

دست و دلبازی افشار برای کمک به مراجعین، از دانشجو گرفته تا اساتید، از داخل کشور تا خارج، چندان بود که کمتر کسی را می توان یافت که از وی دلخور شده باشد. علاقه اش به هر کاری که به نوعی به ایران مربوط می شد، بسیار جدی و حامی آن بود. نه خستی داشت، نه چیزی را برای خود نگاه می داشت و نه وقتی سندی یا کتابی دست دیگران می دید حسادت می ورزید. اخلاق و منش او در چهارچوب نگاهی بود که به این قبیل آثار داشت. همین امر سبب شده بود تا بسیاری به او اعتماد کرده و اسناد خصوصی خود را در اختیارش قرار دادند. حافظه عجیب او یکی از شگفتی های زندگی وی بود. وقتی روز ششم اسفند در بیمارستان جم به دیدنش رفتم و صحبت از نسخه ای کردم، دقیقاً به یاد داشت که این

یادمان

نیمه اول خرداد ماه ـ شماره ۵ ـ ۵

گزارشی از بزرگداشت ایرج افشار در

نمایشگاه کتاب

ایرج افشار مرد اولین ها بود

مراسم بزرگداشت زنده یاد ایرج افشار در نمایشگاه کتاب تهران با حضور کامران فانی و جمشید کیان فر از چهره های ادبی کشور در سرای اهل قلم برگزار شد.

در ابتدای انشست کیان فر در سخنانی اشاره کرد: ایرج افشار مرد اولین ها بود. او مردی بدعت گذار بود و هر جا قدم می گذاشت، منشا آثار خیر بود. او نخستین کتاب شناسی ملی را در کتابخانه ملی سال ۴۲ تدوین کرد و همچنین بنیان گذار بخش اسناد مرجع، نشریات ادواری و مخازن کتاب های لاتین، فرانسه و انگلیسی در کتابخانه ملی نیز بود.

وی درباره بدعت گذاری ایرج افشار توضیح داد: استاد افشار در تصحیح متون بدعت گذار بود و همچنین علاوه بر تصحیح کتاب ها و نسخه های ادبی و تاریخی، در حوزه کشاورزی، سنگ شناسی و علوم دیگر نیز کار تصحیح انجام می داد. او همچنین در بازچاپ روزنامه ها و نشریات قدیمی نیز حرکت مهمی را آغاز کرد و برای نخستین بار کار بازچاپ دوره های روزنامه ها و نشریات را در کتابخانه ملی او احیا کرد.

فانی نیز درباره زنده یاد افشار گفت: ویژگی های استاد افشار و مرجعیتی که در زمینه ایران شناسی داشت منحصر به فرد بود و غیر از استاد افشار این ویژگی ها را تنها در علامه قزوینی و مجتبی مینوی می توان یافت. وی ادامه داد: زنده یاد افشار اولین کسی بود که از تأسیس رشته کتابداری در ایران حمایت کرد و نقشی مؤثر در پیوند میان کتابدار سنتی و مدرن داشت که او را می توان میانجی میان تمدن قدیم و جدید ایران دانست. این ویراستار، ایرج افشار را روزنامه نگار شاخصی دانسته و بیان کرد: شاید کمتر به این وجه از شخصیت زنده یاد افشار توجه شده باشد، ولی روزنامه نگاری از مهم ترین فعالیت های او بود و سردبیری نشریه `راهنمای کتاب` به مدت ۲۰ سال در پرونده وی ثبت شده است و پس از انقلاب هم حدود ۱۵ سال مجله آینده را چاپ کرد.

به گفته فانی، زنده یاد افشار پرکارترین نویسنده ایرانی است که حدود ۳۰۰ جلد کتاب نوشته و بیش از ۳ هزار مقاله به چاپ رسانده است و با اینکه عمرش را در تحقیق و پژوهش گذرانده، ولی پژوهشگری منزوی نبود . فانی، زنده یاد افشار را یکی از سفرکننده ترین ایرانی ها دانست که وجب به وجب خاک ایران را می شناخت.

فانی درباره اهمیت کتابخانه ایرج افشار نیز توضیح داد: کتابخانه زنده یاد افشار، بی نظیرترین کتابخانه ای است که در ایران وجود دارد. در کنار این کتابخانه صدها هزار سند باقی مانده که همه بی نظیر است. او هیچ نوشته مکتوبی را حتی در حد و اندازه یک کارت ویزیت و کارت عروسی دور نمی انداخت. کتابخانه او که فعلاً به مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی اهدا شده، دارای بیش از هزار جزوه از دوران مشروطه است. همچنین ده ها هزار نامه چاپ نشده در اسناد این کتابخانه دیده می شود که منحصر به فرد است.

این محقق در بخش پایانی صحبت هایش بیان کرد: از مهم ترین کارهای استاد افشار، فهرست مقالات فارسی بود چراکه می دانست دسترسی به مقالات، سخت تر از کتاب است. حدود ۷۰ هزار مقاله به همت این پژوهشگر در ۷ جلد به چاپ رسیده است و او در سال های پایانی عمرش با تشکیل گروهی که زیر نظر خودش اداره می شد کار انتشار مجموعه مقالات فارسی را ادامه داد و آن را زمین نگذاشت.

سر و کار دارم می دانم که ایشان به اغلب روستاهای ایران سرکشی کرده بود. هیچ قلعه ای در پشت کوهی نبود که با پای خودش نرفته باشد و هیچ دستخطی به دیوار نوشته نشده بود که ایشان بازنویسی نکرده باشد. هر روستایی را که از او می پرسیدیم بلافاصله آدرس، خصوصیات و نشانه های آن روستا را می گفت.

حالا که امکانات بهتر شده و اطلاعات راحت تر به دست می آید، اما روزی که او این کارها را می کرد نه راه همواری بود نه ترن آنچنان و نه هواپیما و نه اتومبیل راهواری. سال ها یک اتومبیلی داشت که همیشه خودش پشت آن می نشست. من یک بار گفتم که خیلی سال است این ماشین را دارید و دیگر یاری نمی کند که شما را به همه جا ببرد. جواب داد که نه من باز هم با همین می روم. گاهی او ما را می برد و گاهی ما او را می بریم. گفتم منظور چیست؟ گفت خیلی وقت ها در راه می مانیم و باید با فشار هل بدهیم و آن را راه ببریم. ولی در عین حال با شادی اینها را می گفت.

تلاش او برای فیش نویسی و تکمیل دانش نامه ها هم بسیار بر سر زبان هاست. از این وجه او بگویید؟ من اگر این جمله را درباره ایشان بگویم، گراف نگفته ام که ایرج افشار دایره المعارف متحرک بود. دایره المعارف زنده بود. تلفنی که از او سوال می کردیم درباره نسخه کتابی که چاپ شده یا نه، بلافاصله بعد از کمی تامل می گفت که یک نسخه از آن در فلان کتابخانه است. یک دفعه کجا چاپ شده، یا آن نسخه مغلوط است و این نسخه صحیح تر. چنین شخصیتی بود.

در این چند سال اخیر چندین شخصیت به چشممان دیدیم که شخصیت های بزرگی از ایران بودند و بقیه سلف باقی ماضین بودند. آخرین اینها مرحوم دکتر افشار بود. البته ان شا الله باقی باشند بقیه دوستان ما . به قول شاعر سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی. امیدواریم که آنها باقی باشند، اما جای ایرج افشار را نمی دانم اکنون چه کسی می تواند پر کند.

کتاب، نسخه ای در لندن دارد. این در حالی بود که ضعف زیادی بر وی مستولی بود.

زمانی شماری از نشریات شروع به تندروی علیه وی کرده و مطالبی منتشر کردند. افشار هیچ گاه وقعی به این مطالب نگذاشت، نه پاسخ گفت و نه اعتراض کرد و نه ایران را ترک کرد. وی در حالی که بیشتر فرزندانش خارج از کشور بودند و از مکتن مالی زیادی هم برخوردار بود، در اوج همان حرفها و مطالب، حاضر به ترک ایران نشد. این اواخر هم که احساس کرد مرضی او شدت پیدا کرده و ناعلاج است، خواسته بود تا به ایران باز گردد. گفته بود که در فضای ایران بهتر می تواند تنفس کند.

آخرین نوشته های او را در `بخارائی هشتاد دیشب خواندم. همانجا بود که راجع به خودش تأکید کرده بود که هیچ گاه جزو هیچ فرقه و دسته ای نبوده و فقط راه پژوهشی خود را دنبال کرده است. افشار مردی بود برای ایران، دوستدار ایران، و از آنجایی که بخشی مهمی از این فرهنگ، فرهنگ اسلامی بود، آثار فراوانی را منتشر کرد که نه تنها در حوزه ایران شناسی بلکه اسلام شناسی هم بود. افشار یک تنه کار چندین مؤسسه را انجام می داد، دست کسی را رد نمی کرد، و تا آنجا که می توانست کمک می کرد. افشار آرامش عجیبی در زندگی شخصی اش داشت. هیچ فراموش نمی کنم روزی را که زنگ زدم. حس کردم اندکی صدایش گرفته است. سؤالی پرسیدم جواب داد. پرسیدم چیزی شده؟ گفت: بابک پسرم در گذشته و الان جنازه اش اینجاست منتظریم بیایند و ببرند. من دست و پایم را گم کردم. گفت: چیزی نیست، به هر حال زندگی همین است، باید راضی بود.

افشار متعلق به همه ایرانیان بود و در حوزه فرهنگ ایرانی یک افتخار پایدار است.

خدایش بیامزد

خاطراتی درباره ایرج افشار، ایران شناس و کتاب شناس

استاد سیدهادی خسروشاهی



سفر دوم به ایران و دستگیری اهانت آمیز و تبعید ناجوانمرده به عراق، مدتی را در بصره به سر برد و از آنجا طی نامه های تند و صریح، علمای بزرگ شیعه را از اوضاع ناگوار ایران و فساد و ظلم رژیم ناصرالدین شاهی آگاه ساخت. آخرین نامه وی از بصره که تاکنون در دسترس قرار داشت، نامه ای به حاجی محمدحسن امین الضرب بود که در تاریخ ۲۴ شوال ۱۳۵۸ ق نوشته شده است و با استناد به تاریخ آن نامه، محققان تاکنون اقامت سید را در بصره، تا شوال آن سال نوشته اند (متن این نامه در کتاب: نامه ها و اسناد سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی، که به کوشش نگارنده چندین بار چاپ شده، آمده است). ولی اکنون، نامه دیگری از سید، در میان کتابی قدیمی و در اصفهان به دست آمده که گویا سیدجمال الدین آن را به یکی دیگر از علمای بزرگوار عراق نوشته است. این نامه تاریخ «سلخ ذی قعدة» را دارد که نشان می دهد سید، تا آخر ذی قعدة سال ۱۳۵۸ ق، همچنان در بصره بوده است.

سید در این نامه نو یافته، از حاج سید علی اکبر شیرازی یاد می کند که همان مرحوم آیت الله سید فال اسیری معروف - داماد آیت الله حاجی میرزا حسن شیرازی - است. این سید دلیر و شجاع بر اثر مبارزات پیگیر خود با رژیم، به ویژه با قرارداد استعماری رژی، از شیراز به بین النهرین تبعید شد و بی تردید در سر راه خود و در بصره با سید ملاقاتی داشته و به همین سبب گفته اند که سید نامه

اشاره: درگذشت استاد ایرج افشار، ایران شناس و محقق زبان و ادبیات فارسی و بنیانگذار کتاب شناسی و کتابداری نوین در ایران، با گرامیداشت بسیاری از رجال علم و ادب و فرهیختگان رشته های گوناگون همگام بود. استاد سید هادی خسروشاهی، با توجه به آشنایی دیرینه با مرحوم دکتر ایرج افشار، به گوشه هایی از خاطرات خود درباره وی و سندیابی و همکاری اش در نشر اسناد تاریخی، اشاراتی دارد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. روزنامه اطلاعات مورخ ۲ و ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۰

دقیق طالب خواندن استدلالات حضرت آقای محمدحسین طباطبائی اند، متن مرقومه ایشان در این قسمت طبع می شود. و مرحوم افشار پس از این یادآوری، متن کامل نوشته علامه طباطبائی را تحت عنوان «بحثی درباره ملاصدرا» به چاپ رساند و این نشان دهنده انصاف و انتقادپذیری ایشان در مسائل فرهنگی بود. البته من همه این مباحث را در جلد دوم کتاب «بررسی های اسلامی» - جلد هشتم از مجموعه آثار «علامه طباطبائی» - نقل کرده ام که از طرف مؤسسه «بوستان کتاب» قم، اخیراً تجدید چاپ شده است.

به دنبال این نقد مکتوب، روابط ما با آقای ایرج افشار بیشتر شد و به تبادل فرهنگی و ارسال و دریافت کتاب، مبادرت ورزیدیم که در واقع نشانی از آغاز نزدیکی حوزه علمیه قم، با دیگر گروه های فرهنگی کشور بود.

سندی نو یافته از سیدجمال

... و به دنبال این امر، من هروقت که به تهران می آمدم، اگر فرصتی به دست می آمد، به دفتر مجله «راهنمای کتاب» - که در محل موقوفه مرحوم محمود افشار در «باغ فردوس» قرار داشت، سر می زدم. بیشتر اوقات مرحوم آذری یا آقای کریم اصفهانیان، مدیر داخلی امور مجله، در آنجا بودند و در چند مورد هم خود آقای ایرج افشار در دفتر حضور داشت و به طور طبیعی سخن از مسائل فرهنگی و کتاب های جدید و محتوای مجله و پیدایش اسناد جدید به میان می آمد.

در یکی از این دیدارها آقای افشار با خوشحالی گفت: «این بار یک مژده برای شما که عاشق سیدجمال هستید، دارم». پرسیدم: «مژده چیست؟» آقای افشار گفت: «یک سند منتشر نشده در داخل کتابی در اصفهان پیدا شده که ما این گونه اوراق را اسنادلای کتابی می نامیم و این بار این سند، توسط آقای دکتر صنیع زاده رئیس سابق کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا شده است. و من اگر می دانستم شما امروز اینجا می آید، حتماً کپی آن را برایتان می آوردم و البته بعداً برای شما می فرستم».

گفتم: «جناب افشار! شما که می فرمایید من عاشق سیدجمال هستم، پس می دانید که من طاقت و تحمل انتظار برای دریافت کپی آن از طریق پست را ندارم، فردا هرکجا که می گوید، می آیم و کپی سند را از شما می گیرم» که گفت: «عیب ندارد، من امروز عصر آن را به دفتر مجله می فرستم شما فردا بیاید و همین جا آن را تحویل بگیرید».

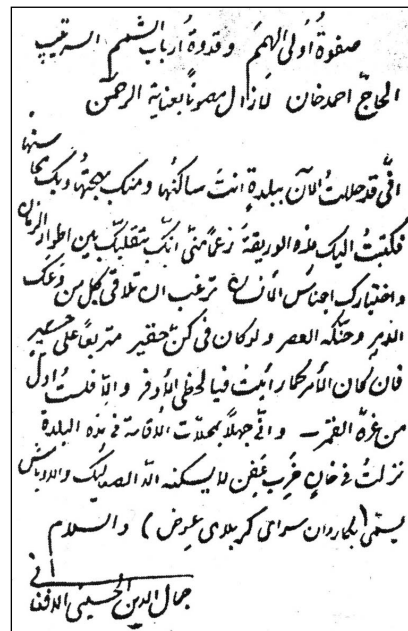
روز بعد، در اولین ساعات، خود را به «باغ فردوس» و دفتر مجله راهنمای کتاب رساندم و سند را گرفتم که بعدها در شماره ۸ فصلنامه تاریخ و فرهنگ معاصر - مورخ زمستان - ۱۳۷۲ که زیر نظر اینجانب از قم منتشر می گردید، چاپ شد که مورد توجه اهل تاریخ

قرار گرفت و اینک، برای سپاس مجدد از ایرج افشار، پس از درگذشت او، یک بار دیگر ترجمه آن سند مهم و تاریخی را، با مقدمه ای که در آن تاریخ نوشته ام، عیناً در اینجا می آورم:

یادآوری: سید جمال الدین اسدآبادی پس از

فرستادم که متن آن چنین بود:

آقای مدیر السلام علیکم و رحمة الله و برکاته. شماره ۸ مجله راهنمای کتاب را طبق معمول خریده و از مطالب گوناگون آن استفاده ها کردم. در شماره ۸ در ضمن نامه ها و در ذیل نامه آقای محمدجواد فلاطوری خواندم که چون بحث (و به قول شما مشاجره!) مربوط به یادنامه ملاصدرا «مشاجره طولانی و سبب ملال خاطر عده ای از خوانندگان» گردیده است، آن بحث را پایان داده و از استاد علامه آقای طباطبائی هم «پوزش» طلبیده ام که از چاپ مقاله مفصل و مستدلی که در این باب فرستاده اند معذورید!



من این جملات را چند بار خواندم و با علم به اینکه گروهی از خوانندگان شما خواستار ادامه این بحث تحقیقی - فلسفی هستند، با خود گفتم که مگر «ملال خاطر» احتمالی گروهی می تواند از ادامه بحثی جلوگیری کند؟ اگر چنین است، پس چرا مباحثی از قبیل «نمایشنامه ها» را از مجله حذف نمی کنید؟ بلکه برای مجله ای که از ادامه بحث فلسفی به علت طولانی بودن آن می گریزد و بهانه ملال خاطر خواننده را می آورد، صلاح نیست که در دو شماره خود ۳۲ صفحه کامل مجله را وقف «نمایشنامه ای» بکند که فقط به درد گروه خیلی می خورد و بطور قطع گروه بسیاری را آزرده خاطر می سازد.

بدون تعارف من بسیار متأسفم که استاد علامه آقای طباطبائی وقت خود را صرف نوشتن مقاله برای مجله ای کرده اند که به علت ملال خاطر احتمالی عده ناشناخته نمایشنامه پسند، از چاپ آن «پوزش» می طلبد! و لایذ ایشان فکر می کردند که فضایی کشور گل و بلبل، مهد علم و فلسفه و عرفان هم مانند پروفیسور هانری کربن ها و دکتر فخرمحمد ماجدها (استاد دانشگاه لایپور) هوادار بحث های فکری و فلسفی هستند و نمی دانستند که اپیدمی «غرب زدگی» گریبان گیر است!

سیدهادی خسروشاهی، قم ۱۳۴۳

این نامه را آقای افشار در شماره اول سال هفتم مجله راهنمای کتاب (صفحه ۱۸۹ - ۱۸۸) چاپ کرد و در ذیل آن نوشت: «چون خوانندگان فاضل و

سابقه آشنایی

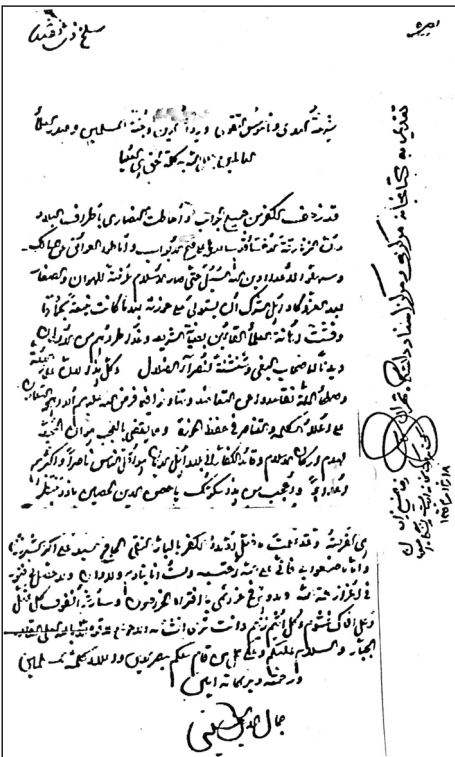
سابقه آشنایی این جانب با مرحوم ایرج افشار به دوران انتشار ماهنامه گرانسنگ «راهنمای کتاب» در دهه سی و چهل، برمی گردد. درواقع من مشتری پر و پا قرص این تنها مجله در زمینه کتاب و کتاب شناسی بودم و به هر کجا که می رفتم، تهیه شماره جدید آن را فراموش نمی کردم. درواقع از راه مجله، با ایرج افشار، مسئول و اداره کننده اصلی مجله، آشنایی غیابی پیدا کرده بودم. تا اینکه در سال ۱۳۳۸ در تهران - باغ فردوس، در دفتر مجله، به سراغ ایشان رفتم و این آشنایی غیابی، به دوستی حضوری تبدیل گردید.

... استاد بزرگوار ما، مرحوم علامه سیدمحمدحسین طباطبائی (قدس سره) در سال ۱۳۴۰، مقاله ای تحت عنوان «تاریخ حیات و روش فلسفی ملاصدرا»، نوشته بودند که موضوع آن تبیین اندیشه های فلسفی ملاصدرا و اشاره ای کوتاه به تاریخ زندگی و آثار وی بود. البته این مقاله برای کتاب یادنامه ملاصدرا نوشته شده بود که در مجله راهنمای کتاب هم چاپ و منتشر گردید و پس از گذشت چند ماه، مرحوم دکتر محمدجواد فلاطوری که سابقه طولانی تلمذ در حوزه های مشهد مقدس و تهران، در محضر اساتید فقه و اصول و کلام و فلسفه داشت و بعدها به مقام استادی فلسفه در دانشگاه فلسفه در بن - آلمان غربی آن زمان - رسیده بود، مقاله مشروحی به عنوان «نقد بحث علامه طباطبائی نوشته بود که مجله «راهنمای کتاب» آن را در سال چهارم خود منتشر ساخت.

آنگاه استاد علامه طباطبائی، توضیحی در پاسخ به اشکالات مورد نظر مرحوم دکتر فلاطوری نوشته و به دفتر مجله، ارسال داشتند که در مجله «راهنمای کتاب» درج و چاپ گردید ولی به دنبال آن، مرحوم دکتر فلاطوری طی نوشتاری دیگر، باز ایراداتی را بر توضیحات استاد علامه مطرح ساخت و آقای «ایرج افشار» این بار ضمن درج نوشته وی در بخش نامه ها برای ختم این نقاش علمی و بحث فلسفی، به علت «ملال آور» بودن این نوع بحث ها، از چاپ و نشر پاسخ مجدد استاد علامه طباطبائی خودداری نمود و چنین عذرخواهی کرد: «... چون این مشاجره طولانی شده و سبب ملال خاطر عده ای از خوانندگان شده، این بحث را پایان می دهیم و از آقای طباطبائی که مقاله مفصل مستدلی در این باب فرستاده اند، پوزش می طلبیم که از نشر مقاله ایشان و هر مطلب دیگری که در این باب برسد، معذوریم»!

بدینترتیب بحث و گفت و گو درباره اندیشه های فلسفی بزرگترین فیلسوف اسلام و ایران، مرحوم صدرالدین شیرازی، - معروف به ملاصدرا - در این عذرخواهی غیر منطقی «مشاجره» و «ملال آور» خواننده شده بود و این البته موجب تأسف اهل خرد گردید!

در همین مورد این جانب با توجه به عذرخواهی غیرمقبول مجله و اخطار به بستن باب بحث درباره موضوعی که قاعداً می بایست «راهنمای کتاب» که خود را «مجله زبان و ادبیات فارسی و تحقیقات ایران شناسی و انتقاد کتاب» می نامید، از آن استقبال می کرد، نامه انتقادآمیزی نوشتم و به آقای ایرج افشار که مدیر مجله بود،



معروف خود به میرزای شیرازی (حملةالقران) را توسط همین سید بزرگوار، به ایشان فرستاده است. به هر حال اصل این سند نویافته که به وسیله آقای «صنیع زاده» رئیس اسبق کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، در میان

می دانم که فراماسون هستی! آمدم بپرسم و بنویسم. گفتم: من جزو آنها نیستم. گفت خیر، هستی و من نام تو را می نویسم. چرا حاشا می کنی؟ گفتم نیستم و بدان که اگر بنویسی شکایت جزایی خواهم کرد.

کتاب را منتشر کرد و نامی از من نبرده بود. اما بی احتیاطی کرده و نام دکتر یحیی مهدوی را برده

نوشته بود: قربانت کردم! برای سر و گوش آب دادن نسبت به تعیین تکلیف مجله به این محل آمدم و کتابی که برای جناب عالی آورده بودم و تشریف نداشتید، توسط آقای توتونچی تقدیم شد. به هر تقدیر امیدوارم بذل توجه عالی مستدام باد.

ایرج افشار:
درخواست آقای افشار را در جلسه هفتگی شورای رسیدگی به درخواست های مجوز نشر روزنامه و مجله مطرح کردم که باز چپ روان کودکان بهانه آوردند: او طرفدار رژیم و فراماسون بوده است! ولی هیچ مدرکی برای اثبات ادعای خود ارائه ندادند و بهمین دلیل با اعتراض شدید بنده روبرو شدند که چرا یک فرد فرهیخته کتاب شناس و فرهنگ دوست که هرگز تحکیم کننده اساس رژیم شاه نبوده، حق انتشار مجله را ندارد؛ و یادآور شدیم که قانون مصوب شورای انقلاب، هرگز شرط خاصی در این زمینه مطرح نکرده است و ما با چه مجوزی یک انسان فرهنگی را از حق مشروع و قانونی خود، می توانیم محروم کنیم...؟

آنگاه پای ورقه مربوطه را با قید موافقت کامل امضا کردم و بعد آقای وزیر و دیگر دوستان که از شورای انقلاب و قوه قضائیه و غیره در آن جلسات حضور می یافتند، صدور مجوز را امضا کردند و آقای افشار به نشر مجله آینده به طور قانونی اقدام نمود که به نظر محدود بیست سال تمام، مجله ای با محتوای کاملاً فرهنگی، تاریخی، تحقیقی و ... منتشر ساخت که مورد استفاده دانشمندان و فرهیختگان جامعه ایران جدید قرار گرفت و البته آقای افشار این اقدام مرا هیچ وقت فراموش نکرد و هر وقت ملاقاتی دست می داد - که به علت شرایط بحرانی کشور و سپس سفر بنده به واتیکان کمتر شده بود - از ابراز تشکر خودداری نمی ورزید، (و در آخرین نامه خود هم به آن اشاره کرده است) در حالی که من فقط به وظیفه قانونی و اخلاقی خود عمل کرده بودم و منتی هم بر کسی نداشتیم؛ به ویژه که در همان دوران، با استناد به مصوبه شورای انقلاب، در مورد صدور مجوز برای جرائد و مجلات، به بسیاری از جرائد و نشریات احزاب و سازمان های چپ و راست، مجوز انتشار از سوی ما صادر می گردید!

در مورد فراماسون بودن آقای ایرج افشار که اتهامی بی سند ولی مطرح شده در پرونده مطبوعاتی وی بود، خود نامبرده در یادداشت شماره ۱۶۱۹ آیین دفتر بی معنی که بتدریج در مجله بخارا چاپ می شود، چنین نوشته است:

۱۶۱۹ فراماسونری

روزی -یادش خوش اسمعیل- راین که هنوز کتاب هیاهو آور فراماسونری را چاپ نکرده بود به دفتر انتشارات دانشگاه آمد و گفت میان اوراقی که در لندن خریدم یا کسی به من داد، نامه ای از پدرت به علیقلی خان مشاور الممالک یافتم و آن را یادگار سفر برایت آورده ام. لطف کرد و من هم آن را به پدرم دادم.

پس از آن گفت سؤالی هم دارم. گفتم بفرما. گفت کتابی در دست نوشتن و چاپ کردن دارم درباره فراماسونری ایران و توانسته ام لیست اعضای لژهای مختلف را به دست بیاورم و در آن چاپ می کنم ولی نام تو را در آنها ندیده ام. چون

تیغ های آخته و خون های ریخته، مانع از به خواری کشیده شدن آن بوده است نه ترس و احتیاط کاری! سرورم! جان های مردم از آنچه بر سر دینشان رفته علاوه بر ضررهای دنیوی، در تب و تاب است. اگر برای یاری حق قیام کنید، همگی گرد شما می آیند و ریاست تامه شما بر آنان تثبیت می شود و به یاری خدا به اعتلای کلمه اسلام و سرکوب یاران کفر و خاموشی سخن بی دینان نائل می شوید. فرصت را از دست ندهید که دلها اکنون در جوش و خروش، جان ها در آشوب و التهاب، زخم ها خونین و مردم در تنگنا و پریشانی هستند. با یک سخن به سوی شما روی می آورند و گرد شما جمع می شوند. به آستانه شما پناه می برند و من گمان نمی کنم شما از جمله کسانی باشید که اوهام، آنان را دلسرد کند و وسوسه ها آنان را از حرکت باز دارد؛ چه، شما نیک آگاهید (همچنان که بارها خود به من می گفتید): شکست عالم، پیروزی اوست؛ خواری و سرافکندگی رهبر دین، مایه سرافرازی اوست؛ و رسوائی اش، باعث شرف و افتخار.

اینک زمان فرا رسیده و فرصت در دسترس است. شما از آنچه سرکردگان کفر بر سر آن مرد نیکنام پرهیزکار، حاج سیدعلی اکبر شیرازی آورده اند، اطلاع یافته اید؛ اما آنچه بر سر من آورده اند، من به خدا واگذار می کنم. من برخلاف افتراهای دروغ پردازان نه پشیمانم و نه خسته شده ام و نه در راه اعتلای کلمه خدا فترتی در من ایجاد شده و نه در تصمیم سستی ای راه یافته است، و به زودی پوزه هر بازدارنده و هر دروغگوی ستمگر و هر گناهکار فرومایه را به خاک خواهم مالید و شما انشاءالله خواهید دید. ولا حول ولا قوة الا بالله العلی القهار الجبار.

سلام و رحمت و برکتهای الهی بر شما و بر همه کسانی که برای یاری دین و اعتلای کلمه مسلمانان، همراه شما قیام کنند. آمین!

جمال الدین الحسینی:

... دوستی ما با آقای ایرج افشار به رغم حوادث روزگار ادامه یافت تا دوران انقلاب فرا رسید. پس از پیروزی انقلاب، مرحوم افشار به وزارت ارشاد ملی برای دریافت امتیاز نشر مجدد مجله راهنمای کتاب مراجعه کرده بود که متأسفانه دوستان ملی گرای! چپ نمای آن زمان، جواب منفی به ایشان داده بودند. روزی به من که نماینده حضرت امام خمینی (ره) در وزارت ارشاد شده بودم، زنگ زد و از مشکل تراشی و بهانه جویی دوستان گله مند شد و می گفت: در مقابل درخواست من، پاسخ دادند که راهنمای کتاب چون در دوره طاغوت چاپ و منتشر می گردیده، ما مجوز جدید به شما نمی دهیم! من به آقای افشار گفتم: ظاهراً ابوی شما آقای محمود افشار، مجله ای به نام "آینده" منتشر می ساخته که بی مناسبت نیست شما این عنوان را انتخاب کنید و درخواست خودتان را همراه جلد اول کتاب "سواد و بیاض" که مجموعه مقالات جناب عالی است و مقاله ای هم درباره سیدجمال الدین دارد، برای من بفرستید تا انشاءالله اقدام شود و به نظر من، هم بهانه تراشی بچه های چپ نمای قلابی منتفی می شود و هم نام والد محترم و مجله او احیا می گردد.

مرحوم افشار از تذکار من خیلی استقبال کرد و چند روز بعد کتاب و درخواست نشر مجله آینده را - با زمینه فرهنگی، تاریخی، کتاب شناسی - به دفتر بنده در وزارت ارشاد آورد که متأسفانه آن روز من در دفتر نبودم و او آنها را همراه یادداشتی به مسئول دفتر بنده تحویل داده و در آن یادداشت چنین

صفحات کتابی قدیمی به دست آمده، توسط ایشان به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران اهدا شده است که همچنان در آنجا نگهداری می شود. و اکنون تصویری از آن، که به درخواست این جانب، توسط جناب آقای ایرج افشار، در اختیار ما قرار گرفته است، همراه ترجمه آن برای استفاده اهل تحقیق در مجله تاریخ و فرهنگ معاصر می آوریم.

بصره، سلخ ذی القعدة

زامامدار رستگاری، ناموس پرهیزگاری، جامه دین، پناهگاه مسلمین، پیشتاز علمای عامل خداوند به وسیله او سخن حق را برتر گرداند. اینک کفر از همه سو یورش برده است و نصاری گرداگرد سرزمین ها حلقه زده اند و بی دینان دون صفت، برای گشودن دروازه ها به یاری شان برخاسته و موانع را از سر راه برداشته، راه را برای دشمنان دین خدا هموار کرده اند. اکنون اسلام در پی سرفرازی، در معرض سرافکندگی و خواری قرار گرفته است، نزدیک است که مشرکان حوزه آن را به تصرف درآورند، حال آنکه پیش از این در پناه نگهبانان خود، تسخیرناپذیر بود، اینک اهانت به علمای پاسدار شریعت رواج یافته و طرد آنان از میهن، کار روزمره و عادت همیشگی تجاوزگران و گمراهان گشته است.

تمام اینها، برای آن است که علمای امت و صالحان ملت در همبستگی و در آنچه خداوند بر آنان واجب گردانیده، یعنی تعاون در اعلاای کلمه الله و همیاری در حفظ حوزه اسلام، کوتاهی و سستی ورزیده اند. شگفت آور این است که کوشنده برای ویران سازی پایه های اسلام و راهبر کافران به سرزمین اهل ایمان، نزد مردم کمترین پشتیبان و بیشترین دشمن را دارد. و شگفت آورتر از این، سکوت شما است!



ای دژ نفوذ ناپذیر دین، اینک که بنیاد شریعت متزلزل گشته، به انتظار چه نشسته ای؟ آیا تو که مرد حق هستی، به حیات دنیوی خرسند شده ای؟ و آیا به جای مرگ، خواری را برگزیده ای؟ حال آنکه خدا تو را بر دیگران رجحان داد و برای خویشتن برگزیده و در راه اعتلای سخن خویش، جانبازی و بی باکی را بر تو واجب گردانید. پرهیزکاری نیکوکاران گرامی، تنها برای فرازمندی سخن خدا و صیانت از فرودمندی آن بوده است و همواره

بود و موجب شد که مهدوی در روزنامه اطلاعات توضیحی متین و استادانه نوشت و از آن نسبت خود را رها نمود.

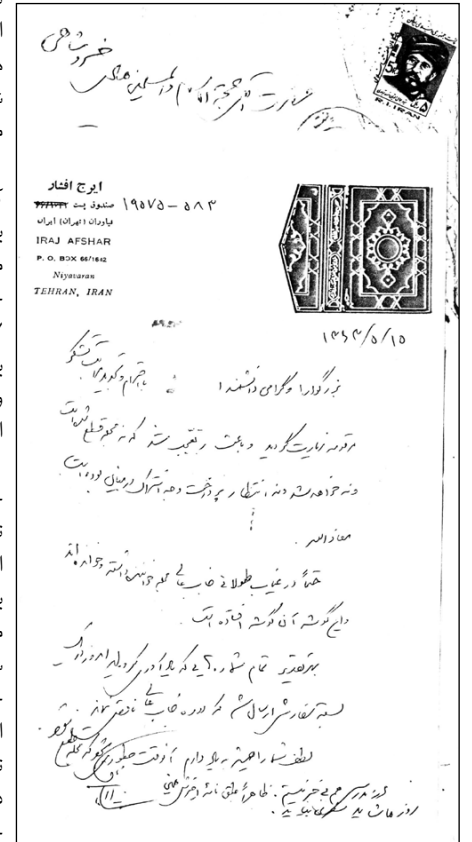
سال ها گذشت که راین را ندیدم. تا اینکه چندی پس از انقلاب به ایران آمد و در هتل نادرشاه زندگی می کرد. روزی باستانی پاریزی گفت راین آمده است برویم او را ببینیم. با هم رفیقیم و تجدید دیداری شد. اما باز می گفت فلانی اگر چه گفتی که نیستم و نامت را در کتاب نیاوردم، ولی مصرم به اینکه هستی! جوابی به او گفتم که باستانی احتمالاً ممکن است آن را نوشته باشد یا روزی خواهد نوشت. این گونه حدس و شایعه که در دل راین جا گرفته بود تا جایی رسوب کرده بود که موقع تقاضای امتیاز مجله آینده (سال ۱۳۵۸) در پرونده آینده منعکس شده بود یعنی حاشیه نشینان نامه هایی در آن باره نوشته بودند. پس با نوشتن توضیح مؤکد که والله بالله نیستم که نیستم، امتیاز صادر گشت.

البته طبعاً احترام خاصی که همواره برای تقی زاده قائل بودم و عنایتی که ایشان نسبت به من داشت این شبهات را میان دوستانم رواج می داد. از جمله یکی از آنها به تعریض و کنایه در مجله یغما خواسته بود مرا جزو جمعیتی به شما درآورد برای آنکه خود را بری کند.

من خود در جوانی اشخاصی چون دکتر علی اکبر سیاسی یا دکتر سید فخرالدین شادمان را از آن قبیله می دانستم و بعدها که همنشینی دوستانه و ماهانه با آنها یافتم ملتفت شدم که با خیال و توهم و قبول آسان گرفتن هر شایعه ای چنان شبهه هایی درباره آنها در ذهنم جا گرفته بود.

ولی دو یا سه بار در حلقه دوستانه چهارشنبه که صحبت از فراماسونری پیش آمده بود دیدم آن دو مرد شریف با نظری که ابراز می کنند ادنی نزدیکی با آن طرز فکر نداشته اند. ولی نزد ساده اندیشان آسان بود که به ملاحظه بودن شادمان در لندن و نزدیکی به تقی زاده، شادمان را فراماسون بدانند. حتی بعضی از جوانها معتقد بودند که مجتبی مینوی هم فراماسون بوده است زیرا تقی زاده در حق مقام علمی او معرفی نامه مستحکمی به وزارت فرهنگ نوشته بود. (این دفتر بی معنی)

به نقل از: (ماهنامه "بخارا" شماره ۸۰ صفحه ۱۸۴ و ۱۸۵، مورخ اردیبهشت ۱۳۹۰)
بدین ترتیب روشن می شود که متأسفانه با تمسک به شایعه، می توان کسی را که عضو جمعیتی نیست، وابسته به آن جمعیت دانست و حتی با اصرار آن را مکتوب هم نمود... در حالیکه حقیقت امر، آنچنان نیست...



دانشگاه تهران منتشر ساخت و بدین ترتیب وارد عرصه "جمال شناسی" گردید و مقالات و اسناد دیگری را هم که به دست می آورد، به نحوی در اختیار علاقه مندان قرار می داد و یا خود منتشر می ساخت و این امر برای روشن شدن حقایق تاریخی بود، گر چه بعضی ها در انگیزه اصلی نشر آن اسناد از سوی دانشگاه و در آن برهه از زمان و تاریخ ایران، شک و تردیدهایی روا داشته اند که البته غیر مستند، ولی قابل بررسی است! ولی به هر حال اهتمام به نشر اسناد باقیمانده از رجال و شخصیت های برجسته ایرانی از خصوصیات مرحوم افشار بود و باید مورد قدردانی قرار گیرد. آقای افشار علاوه بر "سند نویافته لای کتابی" که قبلاً کپی آن را به این جانب داده بود، سالها بعد، سند دیگری از "سدید السلطنه" درباره اقامت موقت سید در "بوشهر" را که در بین اسناد سید حسن تقی زاده به دست آورده بود، در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۲۷، با پست سفارشی همراه نامه ای، برای این جانب، به قم فرستاد که باز نقل آن نامه و سند، از لحاظ تاریخی و به یاد مرحوم ایرج افشار، بی مناسبت نیست:

حضرت حجت الاسلام آقای سید هادی خسروشاهی/با سلام، پس از درگذشت مرحوم تقی زاده، مقداری از نوشته ها و نامه های اشخاص به او را همسرش به من داد تا آنچه را برای تاریخ ایران مفید است، به چاپ برسانم. در میان آنها متن مقاله مرحوم محمدعلی سدید السلطنه کبابی بوشهری درباره سید جمال الدین اسدآبادی، مدعو و مشهور به افغانی، به دستم رسید. این مقاله را مرحوم تقی زاده خلاصه کرده و در تتمیم نوشته خود درباره سیدجمال به چاپ رسانیده بود. چون حضرت عالی چند سال پیش مقاله تقی زاده را در تبریز به صورت جزوه ای تجدید چاپ کردید و مقاله سدید السلطنه به طور خلاصه نشر شده است، مناسب دید که فتوکپی از آن مقاله را به شما بسپارد تا هرگاه به تجدید طبع آن مقاله اهتمام رفت، عکس این نوشته سدید السلطنه را هم به چاپ برسانید تا تمام نوشته سدید السلطنه در اختیار محققان باشد. توضیح آنکه نوشته به خط سدید السلطنه نیست؛ زیرا سدید خطی ناخوانا داشت و اسلوب رسم خطش یه شیوه عربی بود. در این سه صفحه دو کلمه اصلاح شده و عنوان و امضا از خود اوست. ایرج افشار

اما داستان مکتوب سدید السلطنه بدین قرار است: سیدحسن تقی زاده به هنگام اقامت در آلمان، ماهنامه ای به نام "کاوه" به زبان فارسی از برلن منتشر می ساخت که دارای مقالات گوناگونی در زمینه های مختلف، از جمله شرح زندگی "مشاهیر رجال" بود. تقی زاده در شماره سوم سال دوم - دوره جدید کاوه، مورخ رجب ۱۳۳۹ق/۱۹۲۱م - مقاله ای درباره سیدجمال الدین منتشر ساخت که به قول مرحوم استاد سید محمد محیط طباطبائی: "بسیار محققانه و تاکنون اساس غالب رسائل و مقالات ویژه است که به فارسی درباره سید تنظیم شده و حق پیشقدمی و رهبری سیدجمال الدین را در نهضت آزادیخواهی ایران ادا کرده است..". تقی زاده در آخر مقاله خود می نویسد: "برای روشن شدن کامل تاریخ زندگی این مرد بزرگ که افتخار ایران می باشد، تمنای مخصوص از خوانندگان می شود که هر کس از طالبین حقیقت و خدمت به تاریخ ملی که چیزی درباره این ایرانی بزرگ بی لقب می داند، لطف فرموده، به اداره کاوه بنویسد که موجب بسی امتنان خواهد شد."

به دنبال این درخواست، میرزا محمدعلی خان سدید السلطنه - فرزند حاج احمدخان سرتیپ - که از بغداد به بوشهر مراجعت کرده بود، مطلبی در سه

صفحه درباره اقامت سید در بوشهر و چگونگی افکار و اندیشه های وی همراه چند عکس و سند در این زمینه به اداره روزنامه "کاوه" می فرستد که "خلاصه ای از مشروحه مفصل ایشان در باب سیدجمال الدین" در کاوه درج می شود، یعنی آقای تقی زاده "با کمال تشکر از جناب ایشان، نقاط مهم مشروحه ایشان را اقتطاف نموده و در نشریه مزبور شماره ۹ دوره جدید، مورخ محرم ۱۳۴۰ق/ سپتامبر ۱۹۲۱م درج نموده است.

این جانب در تیرماه ۱۳۴۸ در تبریز و در کتابخانه مرحوم علامه حاج میرزا عباسقلی واعظ چرندابی، دوره مجلد نشریه کاوه را دیدم و مقاله تقی زاده و تکمله سدید السلطنه را به علت نبودن دستگاه کپی، استنساخ نمودم و به شکل رساله ای مستقل توسط کتابفروشی سروش تبریز، در ۴۸۵/۱۵ تحت عنوانی که مرحوم محیط طباطبائی به آن مقاله داده بود: "زهر نهضت آزادیخواهی ایران"، منتشر ساختم که پس از آن بارها در قم و تهران تجدید چاپ شد. همان طور که ذکر شد، آنچه در "کاوه" نقل گردیده، خلاصه ای از مقاله مشروح سدید السلطنه بوده است و آقای افشار با اطلاع از این موضوع و نشر مستقل مقاله توسط این جانب، متن کامل نوشته سدید السلطنه را که در بین اوراق و اسناد تقی زاده باقی مانده بود، کپی برداری نمود و همراه نامه ای - که نقل شد - برایم فرستاد که متأسفانه توفیق یار نشد تا آن را در چاپ اخیر آن رساله، نقل کنم. اینک و باز به عنوان سیاست و یاد از ایرج افشار، متن کامل نوشته سدید السلطنه را به دست چاپ می سپاریم که هم یک سند تاریخی منتشر نشده درباره سید و مربوط به حدود یک قرن پیش - ماه رمضان ۱۳۳۹ق - است که در اختیار علاقه مندان و محققان قرار می گیرد و هم ادای دینی نسبت به مرحوم افشار به عمل آید. لازم به یادآوری است که متن نوشته شده توسط سدید السلطنه با توجه به تاریخ کتابت و ادبیات آن زمان، دارای لغات و کلماتی است که مرسوم آن دوران بوده و به طور طبیعی، برای حفظ اصالت تاریخی آن، نباید در آنها تغییری داده شود، بلکه "بدون ویرایش" و به عنوان یک سند تاریخی ارزشمند، عیناً نقل می گردد.

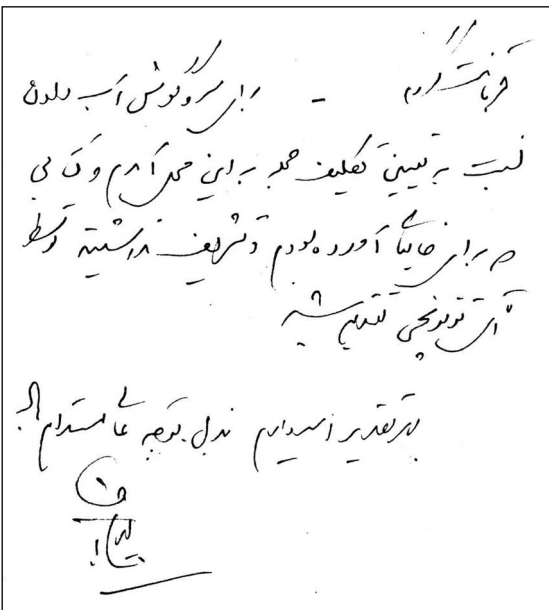
نامه سدید السلطنه درباره سیدجمال الدین

نگارنده سطور در بغداد ۱۲۹۱ به دنیا آمده، بعد از یک دو سال، پدرم حاج احمد خان کبابی برحسب امر مرحوم آقا یعنی میرزا یوسف مستوفی الممالک ترک مهاجرت ایران کرده، با خانه خود به بوشهر آمد و در آنجا مقیم شد. در ۱۶ شعبان ۱۳۰۳ موقعی که در تخت مکتب خانه، به طرز قدیم در منزل با چند همشاگردها از نجاشغول تدریس صرف و نحو و نصاب و تجوید و مشق و سیاق بود، بواب کاروانسرا، کربلایی

عوض با پکتی وارد شده، پدرم پاکت را زیارت کرده، فوراً از منزل بیرون رفته، بعد از چند دقیقه با یک نفر سید جلیل القدر مراجعت نمودند. آن سید بزرگوار خود سید جمال الدین افغانی بودند و آن پاکت را که از اخبار ذخایر بنده بود، چون سید به خط خود نگاشته اند، حال در لف افاد داشته که به خرج خود بنده امر به گراور و تعدد آن فرمایند.

خلاصه آن حضرت بدو ورود امر فرمودند اساس مکتب را برچیده و عذر ملا اسماعیل و شاگردها را خواسته و مرا با خود به طبقه فوقانی

بردند و سواد فارسی را آزمایش فرموده و ترتیب جدید در تدریس بنده نهادند و از مطالعه مجلدات نسخ التواریخ که مطالب زیاد از آن کتاب در حافظه داشتم، ممانعت فرمود. جغرافیا و هیأت مرحوم میرزا عبدالغفار خان نجم الملک طبع طهران سنه ۱۳۰۰ برای تدریس بنده انتخاب کرده، خود کفالت آموزگاری فرمودند. چه بسیار از شبها بود که مرا بعد از نصف شب احضار کرده، ستارگانی که به نصف السماء رسیده بودند، به مواقع و اسامی و تعداد آنها مرا آشنا فرمودند و کتاب سیره ناپلیون الاول (طبع پاریس، سنه ۱۸۵۶) و ترجمه جلستان (طبع مصر) و کلیله و دمنه (ترجمه ابن مقفع، طبع بمبئی سنه ۱۲۹۵) از کتابخانه خود به بنده دادند که خود بدون زحمت عمرو و زید و اذیت بکر و خالد، به قوه استدراکیه خود خوانده و مشکلات خود از آن حضرت پرسد. در عرض دو ماه در قرائت کتب تازی چون پارسی مهارت پیدا نموده و امر به استمرار قرائت روزنامه جات مصر فرمودند. کره کوچکی که به تازی مرتسم بود، از احتشام کتاب حاج نجم الدوله به بنده مرحمت فرمود. اثر تعلیمات آن بزرگوار بود که در سنین ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ ایام توقف طهران، حوزه تشکیل یافت و اعضاء آن مرحوم ملک المتکلمین و مدیر صور و آقامیرزا مسیح سمنانی و میرزا محمد علیخان پسر مؤتمن لشکر و جناب آقا شیخ عبدالعلی مؤید بید گلی و ناچیز بوده و هر روزه مجلس تعزیه داری در یکی از منزل اعضا منعقد و واعظ اسماً و ناطق رسماً در آن مجالس ملک المتکلمین و مؤید بودند و آن مجالس استمرار داشته و در صدارت مرحوم امین الدوله جان دیگر گرفته و پیشرفت خوشی داشتیم تا در سنه ۱۳۱۶ درآمد. مرحوم امین الدوله از مقام خویش افتاد، اعضاء متفرق شدند. به دلالت مرحوم حسینقلی خان نظام السلطنه نگارنده در حقیقت فراراً به بنادر معاودت کرده و از بعد میرزا محمد علیخان بیچاره را سردار افخم آقا بالاخان از بام افکنده و به بهانه آنکه زنده است، جسد بی روح را هزار تازیانه زدند.



در سنه ۱۳۰۳ مرحوم میرزا نصرالله ملک المتکلمین در بوشهر بودند، هنوز لقب نداشته و به تکرار درک حضور سید را کرده، حامل بسیاری از اسرار شده و بدایت رابطه بنده و ملک المتکلمین از همان سال بود. فرصت شیرازی در همان سال بوشهر بودند، شرح ملاقات خود را با سید بزرگوار در "دبستان الفرصه" مفصلاً نوشته، کتاب مزبور را با پست تقدیم داشته. (توضیح: نوشته فرصت الدوله شیرازی را اینجانب در کتاب: تاریخ ایران و افغان بطور کامل نقل کرده ام که دو بار در قم و قاهره چاپ شده است).

خلاصه توقف آن حضرت از خوشبختی نگارنده در بوشهر امتداد یافت تا در ماه ذی قعدة محمدحسن خان اعتمادالسلطنه حسب امر پادشاه وقت تلگراف کردند: هر چند زودتر بیایند، هنوز دیر است و هزار تومان حواله دولتی برای مصارف عرض راه فرستاده، در همان ماه از طریق شیراز حرکت کردند. پدرم غلامی - خسرو نام - در خدمات آن بزرگوار ملتزم رکاب داشته و از آن غلام بعدها اتابک نگاهداری کرده، در ایام توقف نگارنده هنوز زنده بود و خدمات عمده به حوزه ما نمود.

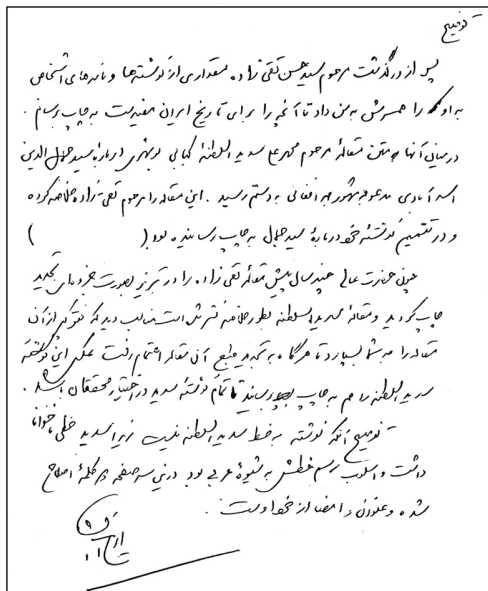
آن حضرت ایام توقف بوشهر، در منزل پدرم ساکن بودند، بیشتر مصاحبت و مفاوضه با سه نفر داشتند: اول حاج احمدخان - پدر نگارنده - بودند. صحبتشان بیشتر از ترتیبات آتیه و اتحاد اسلامی و تغییرات آینده ایران و تربیت نگارنده بود. دیگر از اشخاصی که طرف مسامره بودند، حاج غلامحسین بندرریگی است و مؤمی الیه از فضلا و شعرای بوشهر به شمار آمده و مصاهرت با حاج عبدالنبی آل صفر داشته، در سلک تجار بودند. در سنه ۱۲۴۷ متولد در سنه ۱۳۳۹ در بغداد جامه گذاشت در بدایت صبا تخلص داشته، بعدها بدون تخلص بود. در اواخر زندگانی دیوان خود را که تقریباً دویست هزار بیت بود، چون بیشتر طرز هجا داشت، معدوم نموده، ابیات معدود از آن فاضل نزد نگارنده موجود است.

یک روز به سید بزرگوار عرض کرده: شما از اسدآباد همدان هستید. چرا خود را به افغانی معروف کرده اید؟ جواب فرمودند: افغانی تخلص من است. خواستار نمونه از تراوش طبع آن حضرت شده، فرمود: با من در داخله ایران بیا و در آن مرغزارهای خدا آفرین و آبشارهای مودوعه طبیعت با من نشسته، و پس نمونه طبع مرا خواستار شو. رابطه بین آن دو نفر از مسافرت اولیه سید است که از ایران آمده و به هند رفت.

دیگر فاضل اهرمی بود و هو میرزا حسین معتقد تخلص در سنه ۱۲۵۳ در قریه اهرم تولد یافته و در ریشهر - قریب بوشهر - سکونت داشته، در ادبیات و بدیع و عروض، نگارنده را استاد باشند؛ هنوز در قید حیات اند. استدلالیه زیاد در حقانیت مهدویت مهدی سودان نوشته، هنوز بر همان عقیده برقرار است و در آن عقیده سید بزرگوار مدد زیاد به معتقد رسانید. نگارنده خود از آن حضرت شنید که رحلت مهدی مزبور را در سنه ۱۳۰۲ تکذیب فرمود و از مفتريات انگلیس ها می شمردند.

سید جمال الدین دو بار بیش از بوشهر و شیراز عبور نکرده اند: یکی در سنه ۱۲۷۲ که از همدان به شیراز و بوشهر آمده و به هند رفته، توصیه چند از همدان بر حاج عبدالنبی آل صفر از تجار بوشهر داشته و بر مؤمی الیه وارد شده، خانه ای که در آن سال جایگاه سید بود، هنوز در حالت انهدامی در

محلّه کوتی برقرار است و مسافرت دیگر در سنه ۱۳۰۳ بود که به داخله ایران رفتند، موقع ملاقات با میرزا باقر البته در ایاب از شیراز به بوشهر بوده و مسافرت از نجد به ایران که فرصت نوشته، شاید از راه بغداد و کرمانشاه بوده است خانواده آل صفر که هنوز بقاهای آنها در بوشهر باشند، سید فرمودند: اجداد آنها از همدان به بوشهر مهاجرت کرده اند، از بدو طبع و نشر روزنامه قانون نگارنده با اینکه خورده سال بود و سابقه معرفت با اعضاء آن هیأت نداشته، توزیع قانون در بوشهر به نگارنده رجوع شده، کلیه مکاتبات با اداره به رسم خط جدید پرنس ملکم خان بوده که از آن حضرت به یاد گرفته بودم. بدیهی است معرف نگارنده خود سید بزرگوار در آن اداره بودند. پاکتی که خطوط اداره



قانون بدان عنوان رسیدی در لف ایفاد شده. از وصایاء آن حضرت یکی تعمیم و انتشار خط مزبور بود گلستان و اقوال علی که بدان خط طبع شده به نگارنده دادند. آسنی معتقد سید بزرگوار تشکیل و اتحاد هیأت جامعه اسلامی در تحت یک لواء مقتدره اسلامی بود مانند هیأت جامعه اتانونی.

عقیده شان نسبت به داخله ایران این بود که قوانین و حدود صدر اول اسلام بدون زواید بعد، با لباس آشنا به افهام عوام تالیف و فارسی کرده و دولت در موقع اجرا گذارده و بیشتر قشون ایران باید از دراویش و سادات و طلبه و روضه خوان ها تشکیل یافته که افراد قشون اشخاص با بنیه باشند و مملکت از خسارت آنها هم آسوده شود و علم اصول را به درجه صدر اسلام باید ساده نمود که در تحصیل آن تضییع وقت نشود و کلیه مدارس قدیمه و موقوفات آن را باید برای تحصیلات جدید برقرار کنند. مقتضیات خورده سالی ام در آن موقع بیشتر اجازه اکتفا مرا نداده است. از سه نمونه تصویر آن حضرت که پدرم مرحمت فرموده

بودند، در یک ورقه جمع کرده، لفاً تقدیم شد. در سنه ۱۲۹۶ کتابخانه خود را در چند گاوصندوق به بوشهر فرستادند، از آنجا پیدا می شود که قصد توطن در وطن مألوف خود داشته اند. کتابها در خانه مرحوم حاج عبدالنبی متوفی سنه ۱۳۰۰ امانت بوده تا در سنه ۱۳۰۳ بعد از ورود خود، خواسته و عدلبندی شده و با خود به داخله ایران بردند؛ حمل دوازده قاطر بود. کتابها را بعد از هشت سال مبادعت و تعدد کتاب، فقط از رویت جلد، اسم کتاب را فوراً می فرمود. ۲۶ دی ماه و ۲۴ ماه روزه، سنه ۱۳۳۹/۱۳۰۰

بنده ناچیز محمد علی (سیدالسلطنه). نامه ای از آیت الله کاشانی

علاوه بر چند سندی که مرحوم ایرج افشار درباره سید جمال الدین حسینی در اختیار بنده گذاشت، کپی نامه منتشر نشده ای از آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی به آقای سیدحسن تقی زاده را نیز که در بین اوراق و اسناد وی به دست آمده بود، به این جانب داد که در آن آیت الله کاشانی خطاب به تقی زاده - که در آن ایام سفیر ایران در لندن بوده - ضمن اشاره به اوضاع فاسد کشور و دخالت خارجی ها بویژه انگلستان از وی می خواهد که ضمن ملاقات و مذاکره با مقامات انگلیسی، به آنها هشدار دهد که این قبیل مداخلات استعمارگرانه و پشتیبانی از عناصری فاسد و دزد، بر ضرر این ملت و خود آنهاست و اگر از مداخلات استقلال شکنانه خودداری کنند و بگذارند وطن خواهان حقیقی مصدر امور بشوند و این مملکت را اصلاح نمایند، باعث خوشنمایی است و شاهد صدق گفتار آنها خواهد بود که جنگشان برای آزادی بوده است...! متن بازخوانی شده نامه آیت الله کاشانی به قرار زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
به عرض می رساند. پس از تقدیم سلام و فائق احترام چون جناب عالی را شخص وطنخواه مسلمانی می دانم و البته خاطر شریف از اوضاع ناهنجار ایران کاملاً مستحضر است، لازم شد زحمت بدهم. با اعتراف انگلیسی ها و همچنین دیگران به استقلال ایران، انگلیسی ها می خواهند معناً ایران مستعمره آنها و در تمام شئون این مملکت مداخله نمایند که استعمار برقرار باشد، از همه جا توسط دولت های دست نشانده خود مردمان فاسد، دزد، بی علاقه به وطن را به کرسی وکالت می نشانند، معلوم است که آتیه ای که توسط این وکلاء دزد و خائن روی کار می آیند، البته طرفدار انگلیسی ها خواهند بود و اعضاء مهم ادارات و دزدهای بی علاقه به وطن نیز طرفدار آنها می باشند. معدودی وطن پرست در زوایای خمول خمیازه می کشند و در کمال بیچارگی می گذرانند. مفاسد این وضعیت، هرج و مرج مملکت و عدم انتظام امور است. ملت چپاول و غارتگرانی که

میلیون میلیون بدون بیم و هراس می دزدند و بازخواستی نیست و امنیت قضایی و غیرها فلج است، و بالتجیه موجب هجوم مردم به اجنبی پرستی است و شمالی ها که ملتفت این فعالیت هستند، البته می خواهند از رقیب خود عقب نمانند و اوضاع ناهنجاری که در طرف شمال بروز و ظهور نموده، البته به سمع جناب عالی رسیده، حادث می شود. بالاخره مفسده اشد و اعظم مترقب است. هر چند ملت ایران خمولند و بلایی بر سرش بیاید، حرکت به خود نمی دهد، ولی نباید فراموش کرد که این در صورتی است که محرکی نداشته باشد، والا از هر ظلم و جنایت و تبهکاری مضایقه ندارد.

عجالتاً ایران در نتیجه مداخله جنوبی ها بین این دو سیاست گرفتار و روزگار سیاهی می گذرانند. حاصل آنکه همه شئون این مملکت و ملت مختل و به تمام مقدسات خداوندی، حال مردم بیچاره رقت آور و دلخراش است.

انتخابات تا قشون اجنبی در مملکت است، موقوف خواهد بود و با این وضعیات فعلیه و تسلط دزدهای جانی اجنبی پرست، خدا می داند در زمان فترت چه روزگار سیاهی بر این ملت توسط دیکتاتوری که روی کار بیاورند، خواهد گذشت و البته آن وقت بقایای وطن خواهان را از بین خواهند برد.

مقصود از زحمت آنکه انتظار دارم با مراجع آنجا مذاکره فرموده که این مداخلات بر ضرر این ملت و مملکت و آنهاست و اگر خودداری از مداخلات استقلال شکنانه نمایند و بگذارند وطن خواهان حقیقی مصدر امور بشوند و این مملکت را اصلاح نمایند، باعث خوشنمایی است و شاهد صدق گفتار آنها خواهد بود که جنگ برای آزادی بود، والا این وضعیت قابل دوام نیست. منتظر اقدامات خداپسندانه و مجاهدات وطن خواهانه هستم.

والسلام علیکم ورحمه الله برکاته. ایام اقبال مستدام باد.
احقر، سید ابوالقاسم الحسینی الکاشانی.
طهران

مقام و موقعیت علمی - فرهنگی ایرج افشار بر اهل علم و فضل پوشیده نیست. او حدود هفتاد سال به ادبیات و زبان فارسی و نسخه شناسی و کتاب و کتابداری ایران خدمت کرد و در این راستا، بیش از سیصد جلد کتاب را تصحیح و تکمیل نمود و به دست چاپ سپرد، حدود دوهزار مقاله در زمینه های گوناگون از خود به یادگار گذاشت. افشار در فهرست نگاری مقالات و کتاب ها هم بی همتا بود و چند ده جلد در این باره تهیه و تنظیم و منتشر ساخت و نام نیکی از خود ماندگار نمود. ایرج افشار در ۱۶ مهر ۱۳۰۴ در تهران به دنیا آمد و پس از ۸۵ سال زندگی پربار، سرانجام در اسفند ماه ۱۳۸۹ در تهران درگذشت. خدایش او را غریق رحمت و غفران خود سازد!

نگاهی به کتاب «جزیره سرانندیب یا سریلانکا»؛ سروده و تدوین دکتر حسین رزمجو

کتاب "نگاهی به جزیره سرانندیب یا سریلانکا" سروده و تدوین: دکتر حسین رزمجو، استاد دانشگاه فردوسی مشهد از سوی انتشارات اطلاعات به بازار نشر عرضه شده است.

دکتر رزمجو در این کتاب، گزارش دیدار خود از سریلانکا را در قالب نظم و نثر و در دو دفتر تقدیم خوانندگان علاقه مند به ادبیات و جهانگردی کرده است.

دفتر نخست این کتاب عنوان "نگاهی به جزیره سرانندیب در منظومه ای ۱۱۱ بیتی" را بر خود دارد. دکتر رزمجو در این دفتر وضعیت جغرافیایی و آب و هوایی این جزیره را به رشته تحریر در آورده است.

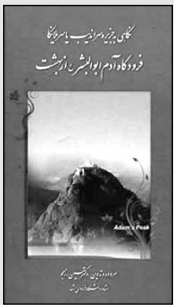
دفتر دوم، گزارش سفری به سرانندیب از دوم تا دهم آبان ماه ۱۳۸۷ شمسی است. دکتر رزمجو در این دفتر گزارش توصیفی خود را درباره همه ویژگی های کشور سریلانکا نوشته است. در پایان کتاب هم مجموعه ای از تصاویر رنگی دیدنی های سریلانکا به چاپ رسیده است.

در بخشی از پیشگفتار کتاب آمده است: "... نگارنده این سطور که سال ها آرزمند بوده تا از این سرزمین کهن پوشیده از گلشن و مرغزار دیداری داشته باشد و از مواهب طبیعی آن برخوردار شود، با آنکه تاکنون به بیش از نیمی از نقاط دیدنی جهان در قاره های: آسیا، اروپا، آفریقا و کانادا - یا به سی و

چند کشور بزرگ و معروف عالم مسافرت کرده است و مناطق زیبایی از جهان وسیع خداوند از کوهسارها و جنگل ها و دریاها و اقیانوس ها و جزایر سرسبز واقع در آب های فیروزه فام را - مشاهده نموده، نظیر؛ دامنه های سلسله جبال هیمالیا را در هند و قله های آلپ و پیرنه را در سوئیس و ایتالیا و چکاد فوجی یاما را در ژاپن و کوه های دماوند و الوند را در ایران و هندوکش را در افغانستان و جبال قفقاز را در آذربایجان شوروی دیده است و... هیچ جا را به خرمی و سرسبزی و زیبایی و دل انگیزی جزیره سریلانکا که باران های استوایی اش کم نظیر است و در بوستان هایش

همیشه گل است و به باغ اندرون لاله و سنبل است و مخصوصاً از لحاظ موقعیت خاص آنکه در میان اقیانوس پر موج و خروش هند قرار گرفته، کمتر جایی را دیده است و...

"نگاهی به جزیره سرانندیب..." با تیراژ ۲۱۰۰ نسخه به بهای ۲۸۰۰ تومان عرضه شده است. برای تهیه این کتاب می توانید به سایت <http://www.ketabettelaat.com> بخش تاریخ و جغرافیا مراجعه نمایید.



آیت الله تسخیری در دیدار با هیأتی از مصر عنوان کرد:

پیروزی مصر تحولی بزرگ در جهان اسلام بود



دکتر "علوی امین" استاد دانشگاه الازهر مصر در رأس هیأتی از شخصیت های علمی، فرهنگی وادبی با آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دیدار و گفتگو کرد.

آیت الله "محمد علی تسخیری" ضمن ابراز خرسندی از دیدار با این هیأت، پیروزی انقلاب مصر را تحولی بزرگ در جهان اسلام و عرب دانست.

وی از آمریکا به عنوان یک کشور ضد آزادی و دموکراسی یاد کرد که تنها شعار دفاع از حقوق انسان ها را سر می دهد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه آمریکا با نقشه های شیطانی، دولت غاصبی همچون اسرائیل را در قلب جهان اسلام ایجاد کرد تا مانع وحدت امت اسلامی شود، خواستار پیروزی مسلمانان جهان در برابر این توطئه ها شد.

آیت الله تسخیری با معرفی اهداف و فعالیت های مجمع گفت: امروز تقریب بین مسلمانان از اولویت اصلی برخوردار است و باید موانع وحدت را برداریم.

وی همچنین با بیان اینکه مشترکات بین مسلمانان به ۹۰ درصد می رسد، افزود تقریب به معنای ترکیب یا تغییر یک مذهب به مذهب دیگر نیست تقریب یعنی این که زمینه های مشترک بین مذاهب را شناسایی و آن را گسترش داده و عملی کنیم.

دبیرکل مجمع تصریح کرد: این مجمع در عقلانیت

نخبگان و وحدت جهان اسلام

جهان اسلام از جهت فرهنگی یکپارچه نیست. این جهان از یک سو کشورهای جنوب شرقی آسیا و حتی شرق آسیا را در بر می گیرد و از سوی دیگر پاره فرهنگی جنوب اسپانیا را شامل می شود. در این میان، کشورهای شمال آفریقا، آسیای مرکزی، هند و پاکستان نیز در کنار فرهنگهای عمده خاورمیانه، جهان اسلام را شامل می شوند.

همین تنوع جغرافیایی، تنوع فرهنگی مهمی نیز بر این کشورها حاکم کرده است. اسلام در زمانی به رشد چشمگیر ادامه می داد که فرهنگهای جهان تحت تأثیر دو سه فرهنگ برتر بودند. از سویی، فرهنگ یونانی موجود بود که ذهن و زبان عده زیادی را به خود معطوف کرده بود و در امپراتوری روم نیز حیاتی چشمگیر داشت. از سوی دیگر فرهنگ ایرانی بود که بخشی مهم از جهان را تحت نفوذ خود داشت و از سوی دیگر، تمدن مشرق زمین نیز زیر نفوذ و تأثیر شینتوئیسم، بودیسم و کنفوسیوسم قرار داشت.

دین اسلام با تعالیم انسان سازش به این فرهنگها وارد شد، اما میزان تأثیری که بر جای گذاشت و ترکیبی که میان این آموزه ها و فرهنگهای بومی حاصل شد، در هر یک از این تمدنها و فرهنگها متفاوت بود. به همین جهت است که اسلام وقتی به ایران وارد می شود، اسلام ایرانی شکل می دهد که به سرعت به شیعه مبدل می شود و عرفانی که در جنوب شرقی و شرق دور موجود است، از آموزه های دینی آن دیار متأثر می گردد.

برخی از محققان و پژوهشگران تاریخ اسلام معتقدند یکی از دلایل شکوفایی اسلام در دو - سه قرن اول هجری، به تنوعی برمی گردد که بر این فرهنگها حاکم بوده است.

هنر اسلام این بود که معیار سنجش برای پذیرش یا رد آموزه ای را، تعلق داشتن یا نداشتن آن به منطقه یا تمدنی خاص تعریف نکرد و حقیقت را به عنوان معیار پذیرش مد نظر داشت. به همین جهت است که شاهد هستیم در دل تمدن اسلامی بسیاری از معارفی که به تمدنهای دیگر تعلق داشتند مورد پذیرش قرار گرفتند و حتی دانشمندانی که مسیحی، یهودی یا زردشتی بودند، مورد تکریم قرار گرفتند.

یکی از مهمترین پدیده هایی که این حقیقت جویی را به خوبی نشان می دهد، توجه به فلسفه یونانیان از سوی مسلمانان بود. مسلمانان از فلسفه یونانیان بدان جهت که این معرفت به جغرافیایی خاص تعلق دارد روی بر نتافتند، بلکه با ذهنی باز به سراغ آن رفتند و سعی نمودند با تکیه بر آنها، برای اعتقادات خود مبنایی محکم برگزینند. معیار در اینجا عقلانی بودن یا عقلانی نبودن بود و نه چیزی دیگر. در این منظومه هم اعتزالیه رشد کردند که با تکیه بر عقل، خواهان جمع بین دین و عقلانیت بودند و هم معتزله که در برابر اوامر و کلام خدا، نقشی برای عقلانیت قایل نبودند. همین جاست که دارالحکمه ای رشد می کند که مظهر یک گفتگوی بین دینی، برون دینی و بین فرهنگی قلمداد می شود و همه فرهنگها در آن نمایندگانی برای خود دارند.

عده ای از متفکران معتقدند اگر جهان اسلام خواهان رسیدن به مقام در خور مانند موقعیت دو - سه سده اول هجری است، باید الگوی در نظر گرفته شده در آن زمان را پیاده کند و در این راستا اقتضائات جدید را نیز مدنظر قرار دهد. شکی نیست، نظام معرفتی آن زمان در جهان اسلام جوابگوی مسائل مطرح شده بود. از سوی دیگر، همان طور که دیدیم، گونه ای عقلانیت موجود بود که در حکم بستر تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عمل می کرد.

این نظام پس از مدتی به دلایل مختلف از جمله نبود عصیت لازم در جهان اسلام برای پیشرفت، کم رنگ و کم اثر شد. هنگامی که تمدن اسلامی و جهان اسلام با غرب جدید روبرو گردید، حد اعلای این کم اثری خود را نشان داد و مسلمانان در این بستر جدید، توان و یاری آن را نداشتند که در برابر تحولات مغرب زمین از خود واکنشی درخور نشان دهند.

پرسشی اساسی که در باب بازسازی الگوی معرفتی و فرهنگی اوان تمدن اسلامی وجود دارد، این است که این بازسازی با چه مکانیسمهایی باید انجام گیرد و نقش معارف مغرب زمینیان در آن چیست؟ تکرار کنیم که حتماً در این بازسازی باید نقش زمانه و ضرورت های جدید را در نظر بگیریم و از سوی دیگر به جریانهای عقل گرایی که در آن نظام موجود بودند، توجه بیشتری نماییم. به نظر برخی نواندیشان دینی جدید، تنها راهی که فراوری جهان اسلام وجود دارد این است که جریانهای عقل گرا در جهان اسلام را که ریشه در افکار متفکرانی چون ابن سینا، ابن رشد و خواجه نصیر دارند، زنده کنیم.

از سوی دیگر، فضای آزاد موجود در تمدن اسلامی آن دوران می تواند الهام بخش نخبگان جهان جدید دنیای اسلام باشد که فضایی شبیه آن متناسب با شرایط زمانه را طلب کنند. شکی نیست، اتحاد و انسجام در فضایی توأمان با آزادی بیان و امنیت روانی و فکری به دست می آید و از این رو فضایی سیاسی برخی کشورهای اسلامی نیاز به تعدیل دارد.

آنچه بدانها اشاره شد، به نقشی توجه دارد که نخبگان و متفکران در اتحاد و انسجام جهان اسلام ایفا می کنند. آنها می توانند متفکران برجسته صدر اسلام را مطرح نمایند و اندیشه های آنها را مبنای اتحاد قرار دهند، افراد جوامع مختلف را به عمق تفکر و تمدن اسلامی آگاه سازند و بدین طریق از بیگانه هراسی و از خود بیگانگی جلوگیری کنند با گفتگو هایی که با یکدیگر دارند، نقاط اشتراک فرهنگهای مختلف جهان اسلام را پر رنگ و تفرقه ها را زایل کنند و عاقبت آنکه با تأثیری که بر سیاستمداران و دولتمردان دارند، آنها را به سوی ایجاد ساختارها و نهادهایی سوق دهند که بیشتر بر وحدت اسلامی می افزاید.

این امهات مقدور نمی شوند مگر آنکه ما با نخبگان و متخصصانی روبرو باشیم که به دو سلاح مجهز باشند؛ یکی اینکه سنت و دین خود را به خوبی بشناسند و با زبان و مبنای آن آگاه باشند و دوم اینکه با مغرب زمین و اقتضائات آن آشنا باشند.

این امر البته بدین معنا نیست که آنها باید همه معارف سنت و تجدد را بتمامی بشناسند؛ بلکه آشنایی با مبادی مدرن و سنتی و راههای ارتباط میان آنها از مهمترین مضامین مورد نیاز آنهاست. این ویژگی تنها متخصصان جهان اسلام نیست. حتی تمدن غرب نیز که دوره گذار از مدرنیسم به پسامدرنیسم را طی می کند، محتاج نخبگانی است که به خوبی مضامین مدرن و سنتی را بشناسند. در این میان البته، آشنایی متفکران اسلامی با تحولات اوان جهان اسلام ضروری است و توجه به جریان عقل گرایی، از اولویت مهمتری برخوردار است.

امام جمعه ریگان:

تقویت اتحاد شیعه و سنی یک ضرورت است

وسیع خود و اتحاد میان برادران تشیع و اهل تسنن تمام افکار دشمن را نقش بر آب کنیم.

امام جمعه ریگان با اشاره به اجرای طرح جمع آوری اسناد مربوط به رزمندگان دوران دفاع مقدس در شهرستان های بم، ریگان و فهرج گفت: این اسناد گرانبها در مجموعه ای گردآوری می شوند تا عموم مردم بتوانند از آنها بهره لازم را ببرند.

وی با بیان اینکه گنج دوران دفاع مقدس در سینه رزمندگان دفاع مقدس نهفته است، ابراز داشت: رهبر انقلاب فرمودند: 'جنگ تحمیلی گنج بود که ما باید آن را از زمین استخراج و به دیگران انعکاس دهیم'.

حیدری نسب افزود: مردم بی دفاع بحرین اکنون با مظلومیت تمام در حال آزار و اذیت توسط آل خلیفه و آل سعود هستند و امیدواریم که هر چه سریع تر جهاد آنها به پیروزی برسد.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی:

ادعای وهابیون مبنی بر تفاوت قرآن شیعه و سنی "کذب است

زمینه علمی در حال حاضر نه شرقی و نه غربی نه اسلامی، بلکه گنج هستیم. رئیس ستاد اقامه نماز کشور به انتقاد از بالا رفتن سن ازدواج پرداخت و گفت: مطابق مفاهیم قرآنی سومین نیاز بشر ازدواج است که بعد از نیاز اکسیژن و نان قرار می گیرد. وی ادامه داد: چهار نوع نماز داریم نخستین نوع نماز، نماز شکر است که شاکر خداوند باشیم دومین نوع نماز، نماز رشد است و ۲۵۰ نکته تکاملی در نماز وجود دارد سومین و چهارمین نوع نماز به ترتیب نماز انس و قرب است.

آقای قرائتی گفت: ما نتوانسته ایم مزه دین را به مردم بچشانیم و مفاهیم قرآنی را درست به مردم آموزش دهیم و امیدوارم دانشجویانی که دراین جشنواره شرکت کرده و تازه وارد حیطه قرآنی شدند در جاذبه و به جلو بروند.

وی ادامه داد: قرائت قرآن توقفگاه نیست بلکه مرحله گذار است و اگر مشکلی نداشته قرآن را حفظ کنید. به طور مثال تا به حال ۲ هزار و ۷۰۰ نکته حقوقی از قرآن استخراج شده است و من که طلبه ای بیشتر نیستم، ۲۵۰ نکته از نماز استخراج کردم.

رئیس ستاد اقامه نماز کشور گفت: ادعای وهابیون مبنی بر اینکه قرآن شیعیان و اهل سنت متفاوت است کذب محض تاکنون نقطه ای از قرآن تحریف نشده است.

حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی رئیس ستاد اقامه نماز در مراسم اختتامیه شانزدهمین جشنواره قرآنی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کشور، اظهار داشت: چند دستور در رابطه با قرآن وجود دارد. نخست این که قرآن تحریف نشده است و ادعای وهابیون مبنی بر این که قرآن شیعیان تحریف شده و با قرآن اهل سنت تفاوت دارد کذب است و حتی یک نقطه از قرآن تحریف نشده است.

وی افزود: دومین دستور قرآنی قرائت و سومین دستور قرائت با ترتیل و چهارمین دستور تدبیر در قرآن است.

قرائتی با بیان این که مشکل حوزه و دانشگاه این است که برخی از علوم مفید نیست و تصریح کرد: علم و اقدام مفید چهار شرط لازم دارد و نخست این که واجب باشد، دوم اینکه مستحب باشد سوم نیاز فرد بوده و چهارم این که نیاز جامعه باشد. تمام اقدامات ما باید بر اساس اسلام باشد. ما در

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

مادامی که فرهنگ پژوهش در حوزه شکل نگیرد به پژوهش مطلوب در حوزه نخواهیم رسید



حجت الاسلام و المسلمین احمد مبلغی^۱ در نشست دوره ای اساتید سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم که در محل مسجد مدرسه علمیه آیت الله العظمی گلپایگانی(ره) برگزار شد، در سخنانی با موضوع اهمیت پژوهش در حوزه های علمیه، اظهار داشت: با توجه به پیشرفت های علمی دنیای امروز، پژوهش یک ارزش است و تا مادامی که این ارزش در حوزه جدی گرفته نشود، ضعف هایی خواهیم داشت.

وی با بیان این که پژوهش از قدیم الایام در متن حوزه بوده است، گفت: توجه به فرهنگ پژوهش بسیار ضروری است؛ چرا که تا فرهنگ پژوهش در حوزه شکل نگیرد، به

پژوهش مطلوب در حوزه نخواهیم رسید. مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب ادامه داد: در گذشته حوزه های علمیه، عنوان پژوهشگر و محقق را تنها برای افراد در رأس حوزه به کار می بردند و از این رو نباید از این عنوان برای هر کسی استفاده کرد.

وی با تأکید بر این که نباید اجتهاد را از عرصه پژوهش جدا بدانیم، تصریح کرد: باید در متن پژوهش، به اجتهاد و رسیدن به آن درجه اهتمام بورزیم.

حجت الاسلام و المسلمین مبلغی افزود: اجتهاد برترین پژوهش است و این واقعیتی است که در گذشته بوده و در حال حاضر نیز

وجود دارد؛ از این رو باید اجتهاد را در متن پژوهش استقرار بخشیم.

وی با بیان این که پژوهش ها به سه قسمت بنیادی، کاربردی و توسعه ای تقسیم می شوند، خاطرنشان ساخت: پژوهش های توسعه ای، پژوهش هایی است که کوشش می کند فراورده های پژوهش های را به تمام جهان خارج از حوزه عرضه کند که متأسفانه ما در این عرصه ورود چندانی نداشتیم.

مدیر مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب با تأکید بر اینکه باید مخاطبان خدمات پژوهشی حوزه را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کنیم، گفت: ما باید در راستای ارتباط با جهان و برون رفت از مہجوریت منابع شیعی، کوشش جدی صورت دهیم.

معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعةالمصطفی العالمية:

حفظ وحدت و تقریب از مزایای سفیران نور است

ارشد، ائمه جماعات، نمایندگان مجلس و مراکز علمی و پژوهشی است.

وی با بیان اینکه تاکنون ۶ هزار و ۵۹۰ خبر، گزارش و مصاحبه در ۸۰۰ صفحه به چاپ رسیده است، یادآور شد: ۸۰ شماره از این نشریه نمایه سازی شده و قابل بهره برداری در سیدی و نرم افزار است که به زودی توزیع و در دسترس همگان قرار خواهد گرفت. آقای حکیم الهی با اشاره به مزیت های سفیران نور خاطرنشان کرد: استفاده از ابزار و تکنولوژی جدید به منظور بهره برداری از اخبار جامعةالمصطفی العالمية، پرهیز و دوری از پرداختن به مسائل تنش زا و حفظ سیاست تقریب و وحدت از جمله مزایای این نشریه است.

معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعةالمصطفی العالمية اضافه کرد: رویکرد سفیران نور برقراری ارتباط بین حوزه های علمیه شیعی و مسائل بین المللی است.

وی تصریح کرد: همچنین این نشریه سعی دارد جامعةالمصطفی العالمية را که در

معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعةالمصطفی العالمية با اشاره به فعالیت نشریه سفیران نور گفت: پرهیز و دوری از پرداختن به مسائل تنش زا و حفظ سیاست تقریب و وحدت از جمله مزایای این نشریه است.

حجت الاسلام مجید حکیم الهی با اشاره به آغاز فعالیت نشریه سفیران نور اظهار داشت: آغاز فعالیت نشریه سفیران نور از آبان ۸۵ بوده و آخرین شماره در ۱۵ اردیبهشت سال ۹۰ منتشر شد.

وی ادامه داد: تاکنون ۱۰۱ شماره از نشریه سفیران نور چاپ و منتشر شده که انتشار آن به صورت روزنامه ای و الکترونیکی بوده و عمده مطالب آن در زمینه اطلاع رسانی و اخبار است. معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعةالمصطفی العالمية بیان داشت: نشریه سفیران نور به صورت دوهفته نامه منتشر شده که مخاطبان آن جامعہالمصطفی العالمية در خارج و داخل کشور و همچنین مسئولان

به منظور ترویج وحدت در جهان اسلام

مجمع اخوت شیعه و سنی در اندونزی آغاز به کار کرد

سنی در اندونزی را تحکیم وحدت مسلمانان اندونزی اعم از شیعه و سنی خواند و ابراز امیدواری کرد که مجمع مذکور بتواند نقش سازنده ای در پیشبرد اهداف امت مسلمان اندونزی داشته باشد. 'داود پولیرا' نیز در سخنان خود شیعه و سنی را در یک مسیر و دارای سمت و سوی مشترک خواند و خواهان اجرایی شدن شعار وحدت میان مسلمانان که تاکنون تنها در حد شعار باقی مانده است، شد.

سفیر ایران در اندونزی نیز با تیریک پیشاپیش میلاد حضرت فاطمه و میلاد امام خمینی (ره)، وحدت را کلام اصلی تمامی ادیان آسمانی دانست و با اشاره به تأکید اسلام بر حفظ وحدت میان مسلمانان، گفت: در شرایطی که دشمنان اسلام، کشورهای اسلامی از قبیل عراق، افغانستان و لبنان را بمباران می کنند و قبله نخست مسلمانان توسط رژیم اشغالگر اشغال شده است، دیگر صحبت از تفرقه میان مسلمانان نباید جایگاهی در بین

کوالالامپور - مجمع اخوت شیعه و سنی در اندونزی به همت انجمن جماعت شیعیان اندونزی و انجمن مساجد این کشور با حضور محمود فرازنده سفیر ایران در اندونزی به طور رسمی آغاز به کار کرد.

این مجمع به همت 'جلال الدین رحمت' رئیس انجمن جماعت شیعیان اندونزی و 'داود پولیرا' رئیس انجمن مساجد اندونزی پایه گذاری شده است.

در این مراسم که در مسجد اکبر یکی از مراکز بزرگ اسلامی اندونزی برگزار شد، علاوه بر محمود فرازنده سفیر جمهوری اسلامی ایران، جمعی از علماء و متفکران اندونزی نیز حضور داشتند. 'جلال الدین رحمت' در این مراسم در سخنانی ایجاد و حفاظت از وحدت میان مسلمانان را جزئی از ارکان اصلی اسلام دانست و به توصیه های مکرر پیامبر اسلام در این خصوص اشاره کرد. وی هدف از تاسیس مجمع اخوت شیعه و

نقد منصفانه و پرهیز از قضاوت؛ سیره

علامه عسکری در تقریب مذاهب اسلامی



حجت الاسلام و المسلمین سید محمد قائم مقامی، مدرس حوزه و دانشگاه، در پنجمین نشست از سلسله نشست های 'علامه عسکری؛ مرزبان مکتب اهل بیت(ع)' که با همکاری مؤسسه علامه عسکری در محل خبرگزاری ایکننا برگزار شد، اظهار کرد: علامه عسکری مکتب اهل

بیت(ع) را تبیین می کند، مکتب مقابل را نیز منصفانه، عالمانه و بر مبنای منابع خودشان و همچنین با کمک منبع عقل نقد می کند.

این مدرس حوزه و دانشگاه ادامه داد: علامه عسکری مطالب و تعالیم هر دو مکتب را بیان می کند و بعد آن ها را با یکدیگر قیاس می کند و قضاوت را بر عهده خواننده می گذارد و این سیره ایشان منجر به تقریب و وحدت می شود.

وی با بیان این که اگر خواننده منصفی مطالب هر دو مکتب را بدون غرض و بدون پیش فرض قبلی بخواند، به مکتب اهل بیت(ع) رو می آورد و جذب تعالیم مکتب اهل بیت(ع) می شود. شیوه علامه عسکری این بوده که مطالب و نقادی ها را بدون توهین بیان کند، شیوه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و بزرگان دیگر نیز به همین صورت بوده و هست.

قائم مقامی با بیان این که یکی از نیازهای اولیه کسی که می خواهد چنین کاری کند، شفقت است عنوان کرد: کسی که می خواهد این گونه رفتار کند، باید مهربانی و شفقت در وجود او باشد و لازمه اش این است که عقلانیت در او تبلور یافته باشد. محبت و مهربانی و شفقت به این معنا که بتواند بین مستضعفین عامه و ناصبی عامه تفاوت بگذارد و این دو را از یکدیگر جدا کند.

قائم مقامی با اشاره به مسئله تقریب عنوان کرد: در دو سطح می توان به این مطلب توجه کرد؛ یکی وحدت در چارچوب های عملی است که منفک از مباحث مذهب و عقاید است؛ یعنی ما می گوئیم منفک از این که ما شیعه ایم یا سنی، ما یک سری محورهایی داریم که باید حول این محورها دور هم جمع شویم، مهم ترین این مسائل، مسئله ضدیت با ظلم، استکبار و کفر جهانی است که مورد توافق همه مسلمانان است. این یک مرتبه از وحدت است که دایره خیلی وسیعی دارد.

وی افزود: مرتبه دیگری از وحدت که ما قرار است وارد عرصه عقاید شویم، همین کاری است که علامه عسکری و سایر بزرگان انجام داده اند؛ یعنی این که ما با زبان مؤدبانه و علمی مکتب اهل بیت(ع) را بدون تنازل بیان کنیم و عین حائق مکتب اهل بیت(ع) را بگوئیم و در عین حال از هرگونه اهانت و جسارت - برای دعوت هرچه بیشتر به مکتب اهل بیت(ع)- اجتناب کنیم.

این مدرس حوزه و دانشگاه با اشاره به مسائلی که درباره حضرت زهرا(س) وجود دارد، گفت: ما در این مطلب باید واقعا مسائل را چگونه مطرح کنیم؟ سه گونه می توان طرح کرد: اول این که از حضرت فاطمه زهرا(س) هیچ چیزی از آن مسائلی را که واقع شده است، نگوئید که این جفا به آن حضرت است.

قائم مقامی اضافه کرد: یک شکل دیگر این است که مطالب مربوط به حضرت زهرا(س) را به گونه ای بگوئیم که دوباره کینه عامه اهل سنت برانگیخته شود و با لحن توهین و اهانت بیان شود، این موجب دامن زدن به تنازع بین شیعه و سنی می شود که قطعاً این کار اشتباه است و حرمت دارد.

وی ادامه داد: هیچ کدام از این دو روش مورد پسند نیست، باید یک راه میانه ای را در پیش گرفت که چه در محافل خصوصی و چه در محافل عمومی و رسانه ای از حضرت فاطمه(س) سخن بگوئیم، از ظلمی که بر آن حضرت شده، صحبت کنیم و تمام آن حقایق را بیان کنی.

این مدرس حوزه و دانشگاه در پایان سخنانش تأکید کرد: در عین حال هم مطلب را بدون اهانت و جسارت و توهین بگوئیم و دعوت کنیم که بیایند و ببینند و بازنگری کنند که چه شد و چرا این اتفاقات افتاد؟ در این مسیر ما باید هم از نظرات علامه عسکری و هم از توصیه های بزرگان دیگر استفاده کنیم.

امت مسلمان داشته باشد زیرا هرگونه تفرقه آب به آسیاب دشمن است.

فرازنده در بخش دیگری از سخنان خود بنیادگرایی، خشونتگرایی، افراط گرایی، حمله به مساجد و کشتار بی گناهان را فاجده جایگاه در دین اسلام خواند و با اشاره به پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، گفت: در آن سال ها امام خمینی (ره) در جمله ای تاریخی پیروزی حق بر باطل را بی نیاز از هرگونه سلاح و توسل به خشونت اعلام کرد و همگان شاهد بودند که انقلاب اسلامی ایران بدون مسلح بودن مردم به اسلحه و بدون خشونت از طرف مردم به پیروزی رسید و امروز نیز شاهد پیروزی مردم مصر بر دیکتاتور کشور خود با استفاده از روش مشابهی هستیم.

فرازنده از بالا بردن دانش دینی مسلمانان نسبت به دین اسلام به عنوان مسئولیت مشترک تمامی مسلمین نام برد و اتحاد میان مسلمانان را سر منشاء قدرت و انسجام اسلام و مسلمین و رمز موفقیت دانست.

نکوداشت سیره علامه حسن زاده آملی

می دهند.

وی با بیان این که از همه مشتاقان علم و معرفت و علمای ربانی در این آیین دعوت شده است یادآور شد: در این نشست از شخصیت های مختلف علمی و روحانی از طلاب استان قزوین مقیم حوزه علمیه قم و طلاب علمی حوزه علمیه قم دعوت به عمل آمده است. رئیس حوزه علمیه قزوین تجلیل از علما را تجلیل از علم، فرهنگ و خط هدایت به سوی آخرت دانست و گفت: اهمیت برگزاری چنین نشست هایی مرور کردن دعوت قرآن و روایات به سوی آخرت است که در این زمینه آیت الله آملی تشبیهات عالی برای خروج از این دنیا به آخرت دارد. حجت الاسلام والمسلمین عباسی با اشاره به نگارش بیش از ۱۸۰ اثر ارزشمند توسط علامه ذوالفقون حسن زاده آملی، افزود: این عالم فرزانه طی عمر گرانمایه خود آثار عرفانی متعددی در حوزه های فقهی، کلامی، فلسفی، منطقی، تفسیر، ریاضیات، علم هیات، ادبیات، دیوان شعر و الهی نامه را به یادگار گذاشته است.

زندگینامه علامه

حسن طبری آملی مشهور به حسن زاده آملی و علامه حسن زاده فرزند عبدالله (روحانی مجتهد و طبیب و ریاضیدان و استاد حوزه) در سال ۱۳۰۷ ش در روستای ایرای لاریجان آمل در خانواده ای متدین دیده به جهان گشود.

در سن شش سالگی، به مکتبخانه رفت و خواندن و نوشتن یاد گرفت. تعدادی از جزوات متداول در مکتبخانه های آن زمان را خواند و در خردسالی تمام قرآن را یاد گرفت. سپس وارد دوره ابتدایی دروس حوزوی شد. تاریخ ورود وی به حوزه علمیه مهر سال ۱۳۲۳ بود. متون ابتدایی درس حوزه را در آمل در نزد محمد غروی و عزیزالله طبرسی، شیخ احمد اعتمادی، عبدالله اشراقی، ابوالقاسم رجایی، آیت الله فرسیو و دیگران فرا گرفت و در آمل آغاز به تدریس چند کتاب مقدماتی کرد.

مهاجرت به تهران

ایشان شهریور ۱۳۲۹ به تهران رفت و چند سال در مدرسه حاج ابوالفتح به سر برد و باقی کتب حوزوی را نزد آیت الله سید احمد لواسانی خواند. به مدت ۱۳ سال در مدرسه مروی به سر برد و زیر نظر آیت الله محمد تقی آملی و حاج میرزا ابوالحسن شعرانی پهرانی تلمذ و از او اجازه اجتهاد دریافت داشت.

آیین نکوداشت فاضل فرزانه شخصیت اخلاقی و عرفانی علامه ذوالفقون آیت الله حسن حسن زاده آملی لاریجانی به همت حوزه علمیه قزوین برگزار شد.

نماینده ولی فقیه و امام جمعه قزوین در این آیین با گرامیداشت مقام علمی و فقهی آیت الله حسن زاده آملی، گفت: این مراسم با شکوه برای بزرگداشت از یک عالم بزرگوار، خودساخته، با اخلاص، جامع و معقول و بنا به درخواست طلاب مشتاق و جوان حوزه علمیه قزوین برای شناخت راه تقوی و علم از الگوهای خودساخته برگزار شده است.

آیت الله هادی باریک بین با اشاره به احادیث و روایات متعدد برای تکریم از مقام والای علم و علما، افزود: در روایات و احادیث آمده است؛ عالم به کسی اطلاق می شود که در مقابل علم عمل کند و حقیقت علم در وجود خود تنیده شده باشد.

وی با تأکید بر پیروی از علما از سوی جوانان کشور برای مقابله با تهاجمات فرهنگی دنیای غرب، تأکید کرد: اگر دنیای غرب برای دور کردن جوانان از علم و علمای کشور نقشه ای کشیده است، برای مقابله با آن باید با دیدی روشنفکر از ظرفیت علمای با اخلاص و خودساخته بهره مند شویم.

وی با بیان این که عالم به کسی اطلاق می شود که عمل وی برگرفته از علم او باشد، اظهار داشت: اگر کسی خود را در میان جامعه عالم پیشرو و معلم معرفی می کند باید در مرحله نخست درس خود ساختن، تواضع و روش صحیح انسانی را آموخته باشد.

در ادامه این مراسم حجت الاسلام والمسلمین رمضانی خراسانی، استاد حجت الاسلام والمسلمین صمدی آملی از شاگردان علامه و استاد فرهنگد صاحب دیوان خوشه چین در وصف این استاد عالم و معلم اخلاق به سخنرانی پرداختند.

رئیس حوزه علمیه قزوین در خصوص برگزاری مراسم تجلیل از مقام علما گفت: حوزه علمیه قزوین هر سال سلسله نشست هایی برای بزرگداشت از مقام های علمی حوزه های علمیه برگزار می کند.

حجت الاسلام والمسلمین عباسی به تجلیل از مقام شامخ آیت الله العظمی بهجت (ره) در سال گذشته اشاره کرد و افزود: امسال دومین نشست بزرگداشت از مقام آیت الله حسن زاده آملی است که برگزارکنندگان این نشست را طلاب حوزه علمیه قزوین تشکیل

پیوند دین و فلسفه



اخلاق را متعالی می کند و همین وجه تمایز اخلاق دینی از اخلاق سکولار خواهد بود. آیت الله سیدمحمد خامنه ای رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا با بیان این که "نفس انسانی" زمینه اخلاق است، تأکید کرد: نفس انسانی، انبیا و دولتمردان مهمترین عوامل اخلاقی کردن انسان ها هستند.

وی گفت: "فضیلت" محور و اساس اخلاق است چرا که در اخلاق اهتمام بر آن است که انسان به فضایل متعالی دست یابد، حال در فلسفه اخلاق در مورد "کیستی" فضیلت بحث می شود.

رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا با بیان اینکه انسان باید فضیلت را برای خود ایجاد کند، اظهار داشت: فضیلت چیزی جز اعتدال در قوای سه گانه همچون قوه غضبیه، شهویه و عاقله نیست و در حکمت متعالیه از فضایل و راه های دستیابی به آن سخن گفته است. وی خاطرنشان کرد: فضیلت در اخلاق اسلامی ارزش است؛ البته این ارزش گذاری که در "حکمت متعالیه" بررسی می شود با ارزش گذاری که در حکمت یونانی بررسی شده، متفاوت است.

ارزش گذاری در فلسفه یونان همچون ارزش پیروزی یک فرد در یک مسابقه است، ولی ارزش گذاری در اخلاق اسلامی، متعالی و متفاوت است. همچنین دکتر سیدمصطفی محقق داماد، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی در پانزدهمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین شیرازی با موضوع "نظام اخلاقی قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی" سخنرانی کرد.

وی در ابتدای سخنان خود به بررسی ارتباط دین و اخلاق پرداخت و گفت: گرچه اخلاق باید از منبع بزرگ دین استفاده کند، ولی باید میان اخلاق و دین تفاوت قائل شد. حکمای سابق جهان اسلام همچون ابن مسکویه و خواجه نصیرالدین طوسی که در مبحث اخلاق آثار نوشتاری دارند فی الواقع نظریات جدید و ابتکاری ارائه ندادند بلکه آثار آنها را می توان شرحی بر اخلاق نیکو ماخوس ارسطو نامید.

استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه اولین کسی که نظام اخلاقی مدونی را در جهان اسلام طراحی کرد، غزالی است، ابراز داشت: به نظر می رسد امام محمد غزالی نخستین متفکر جهان اسلام است که نظام اخلاقی مبتکرانه ای را ارائه داده است در کتاب "احیاء العلوم غزالی" می توان وجه تمایزات خود را با ارسطو به وضوح مشاهده کرد اما نظام اخلاقی غزالی یک خلأ بزرگ دارد و این خلأ بزرگ ناشی از غفلت غزالی از بزرگترین نظام اخلاقی جهان اسلام است و این منبع اخلاقی اهل بیت است به عبارت دیگر نقش نظام اخلاقی غزالی غفلت انگاری از منبع وحیانی اهل بیت است.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: "ملاصدرا" نفس شناسی را برخلاف فلاسفه قبل از خود از طبیعیات به الهیات وارد ساخت و سپس اخلاق را زیرمجموعه نفس شناسی قرار داد و حاصل این امر، پیوند فلسفه و دین خواهد بود.

استاد رضا داوری اردکانی به عنوان دومین سخنران در پانزدهمین همایش بزرگداشت صدرالمآلهین با موضوع اخلاق و فصلی از علم الهی "سخنرانی کرد. وی با بیان اینکه پیوند نظر و عمل از مهمترین مسایل فلسفه اخلاق است، ابراز داشت: از ارسطو تا فیلسوفان اخلاق عصر حاضر به مسأله "پیوند نظر و عمل" پرداخته اند. ارسطو نخستین فیلسوفی است که کتابی درباره حکمت عملی نگاشت در حالی که استادش افلاطون این طریق را طی نکرده بود و افلاطون در کتاب نوامیس تحت تأثیر شاگردش یعنی ارسطو بوده است.

وی در ادامه خاطرنشان کرد: در نظریه افلاطون علم و عمل جدا نیست و این از جمله معروفات کسانی که علم به خوبی ها دارند؛ بدی مرتکب نمی شوند" فهمیده می شود. ولی این نظریه با دستاوردهایی که از جامعه داریم تناسبی ندارد چرا که بسیاری از افرادی که می دانند فلان فعل بد است اما آن را انجام می دهند.

داوری اردکانی با بیان اینکه "علم الاخلاق" علم وجودشناسانه و معرفت شناسانه است، تصریح کرد: علم وقتی به مرتبه قلب تنزل پیدا کرد علمی می شود که با اخلاق واحد است.

داوری اردکانی در پایان سخنان خود خاطرنشان کرد: آنان که به جدایی حکمت عملی از نظری قدم برداشته اند بدان جهت است که "علم" را امری صرفاً "مفهومی" و در مقابل "اخلاق" را امری صرفاً "عملی" معرفی کرده اند. در این صورت میان علم و نظر و عمل، اخلاق و علم، فلسفه و دین، جدا انگاری یقینی خواهد بود در حالی که تلاش ملاصدرا در یکسان سازی و نزدیک سازی نظر و عمل اخلاق و علم در راستای نشان دادن پیوند مبارک دین و فلسفه است.

غلامرضا اعوانی رئیس انجمن حکمت و فلسفه ایران نیز "اخلاق" را رکن اساسی همه ادیان دانست و گفت: اخلاق قاعده مثلث ادیان است پس نباید شریعت بدون اخلاق را در نظر گرفت؛ یعنی نباید شریعت و سایر ارکان دین همچون فقه را بدون اخلاق در نظر گرفت.

اعوانی با بیان اینکه علم به مبدأ و معاد لازمه دینداری است؛ تصریح کرد: اگرچه پیوند با مبدأ و معاد در اخلاق امری ضروری نیست یعنی امکان دارد فردی ملحد اخلاق مدار باشد، اما پیوند با مبدأ و معاد

معرفی کتاب سربداران کوچه و بازار

- مهندس جمیل موحد خوبی
- انتشارات میکائیل و اشجع

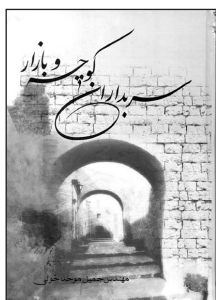
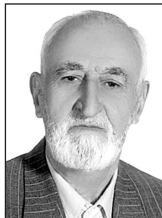
هر انقلاب متشکل از دو بعد شور و شعور است. شوری که از آن مردم کوچه و بازار است و حرکت دارد و شعوری که باید باشد برای روندگی. مثل پیکره ای که مغزی می خواهد برای فرمان دادن و دست و پای برای اجرا. اما انگار این ذات هر حرکت انقلابی است که بعدها شورها که فروکش کرد و نقش آفرینی شعور فعال آن انقلاب هر روز پررنگ و پررنگ تر شد مردم کوچه و بازار که در فراموشی از بین می روند.

کتاب حاضر که پیرامون قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

شمسی است در پی روشن کردن ابهامی است که در این برهه تاریخی به چشم می خورد. درواقع این کتاب، پژوهشی است که با هدف شناساندن و ارج گذاری بر ایثارگری های مردم کوچه و بازار نوشته شده است؛ آنان که نیروی محرکه نهضت ها، انقلاب ها و قیام ها، از جمله قیام ۱۵

خرداد ۱۳۴۲، بودند. نویسنده اعتقاد دارد که این نیروی محرکه کمتر مورد توجه محققان و مورخان قرار گرفته اند و حق آنان ادا نشده است.

به همین سبب، آنها را "سربداران کوچه و بازار" نامیده است. از مباحث این کتاب است: روحانیت و مردم در راستای حرکتی جدید، شش قیام مردم کوچه و بازار در تاریخ معاصر، قیام پانزده خرداد چگونه آغاز می شود، تاریخچه بارفروشان تهران، حماسه جاودانی کشاورزان در قیام خونین پانزده خرداد، بازتاب قیام پانزده خرداد در رسانه های گروهی، بازداشت و تعقیب و محاکمه بارفروشان و...



بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (مقانیه) نیش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com